



نگاهی تاریخی

به

مسأله فقه و زمان*

مهدی مهریزی

نیز از همین قبیل است.

مراد از این سخن این است که فقدان نصوص دینی یعنی قرآن و سنت و نبود اطلاق و عموم سبب شد که به منابع دیگر توجه شود. خواه این منابع ثانوی را کاشف از منابع نخستین بدانیم و یا اینکه آنها را منبع مستقل در طول منابع نخستین اعتبار کنیم. این حقیقت از نگاه بیرونی به روند گسترش فقه و اصول به دست می آید و فرآیند این تحولات است.

این مشکلات در این سده های اخیر بیشتر شده و به صورت جهشی، نمود بیشتری یافته است؛ یعنی تقریباً از قرن نوزده و بیستم میلادی که مسلمانان با تمدن جدید غرب روبرو شدند و تمایل به الگوگیری از آن کشورها در میان مسلمین پیدا شد.

رنه داوید این وضع را چنین توصیف کرده است:

«از سوی دیگر، بسیاری از احکام فقهی می توانستند در زمان

برخورد با مشکل، زمینه ساز تئوری است و تأمل و تحقیق پیرامون تئوری، سبب شکل گیری یک نظریه علمی می شود و نظریه در سیر تکاملی خود به یک نظام فکری و علمی تبدیل می گردد. این قاعده را در همه علوم و دانشها می توان مشاهده کرد. در علوم اسلامی، فقه مثل روشن و گویایی از این قاعده است. احادیث و آیات قرآنی به جهت تنوع و پراکندگی سبب پیدایش فقه شد و علم اصول از فقه متولد گشت.

فقه اسلامی با گذشت زمان تحولاتی را در خود دیده است که نشأت گرفته از گسترش حوزه روابط انسانها بوده است. این تحولات همچنین در منطق فقاہت یعنی دانش اصول تأثیر عمیق گذاشته است.

پیدایش علم اصول در گرو همین مشکلات و گسترده‌گی هاست و افزایش و نظام مندی آن نیز چنین است.

رویکرد اهل سنت به قیاس، استحسان، مصالح مرسله و اجماع نیز نتیجه برخورد با همین مشکل بوده است. همان گونه که رویکرد شیعه به اصول عملیه و حجیم شدن آن با گذشت زمان

* رسالت این مقاله آن است که به اختصار مشکلات فقه اسلامی را در سالهای اخیر بیان کند؛ تئوریهایی که برای حل مشکل ذکر شده، گزارش کند و سپس به تبیین حوزه های مطالعاتی در زمینه «هماهنگی فقه و زمان» بپردازد.

اصول شده است؛ مثلاً در عقود اصل قصد و نیت است و الفاظ، شکل و قالب. اما فقیهان آنچه‌ان از الفاظ معاملات بحث کرده‌اند که مبدا اصلی یعنی قصد در این میان گم شده است.

۴- فرقه‌گرایی مذهبی. این امر پس از پیامبر آغاز گشت و مسلمانان به شیعه و اهل سنت تقسیم شدند و هر کدام به فرقه‌های دیگر. این تحزب گرچه از مروت شریعت اسلامی برخاسته است و حسناتی را به همراه داشت، اما مضراتی را نیز چون: عداوت و دشمنی، تعصب مذهبی و... به دنبال داشت.

۵- نادانی به فلسفه تشریح. علمای اصول اتفاق دارند که احکام بر علل و مقاصدی بنا شده است که با تغییر آن متغیر می‌شوند:

این علل و مقاصد، همان روح شریعت است و با جمود ناسازگار است، ولی مسلمانان این را فراموش کرده و بر احکام جمود می‌ورزند.

۶- اختلاط بین دین و معیشت دنیا. برخی از تعالیم پیامبر که به زندگی دنیایی و فرعی بازمی‌گشت، امری دینی و جاودانه پنداشته شد.

آنگاه گفته است:

«فأذن لالعلاقة للإسلام معایش الدنيا الفرعية الا اذا كانت مرتبطة بمبدأ من مبادئ الدين الاسلامی. واقصد بالدين احكام العقيدة والتوحيد والعبادات واحكام الاخلاق واحكام المعاملات الاساسية جميعاً.»^۱

شهید سید محمد باقر صدر از فقیهان و عالمان روشن اندیش شیعه مشکله دیگری را مطرح کرده است که خلاصه آن چنین است:

در میان شیعه اجتهاد یک هدف را دنبال می‌کرد: تطبیق شریعت در حوزه زندگی فردی مسلمان. این ذهنیت که بر اثر دوری شیعیان از نظام سیاسی پدید آمد، زیانهای عدیده‌ای را به دنبال داشت:

۱- فقه به موضوعات فردی بیشتر می‌پرداخت تا موضوعات اجتماعی.

۲- فقیه، نگاه فردگرایانه به شریعت داشت، و از این رو

خود مناسب و کافی باشند، اما امروزه متروک به نظر می‌رسند و حتی ممکن است به نظر ما زنده آیند. از آن زمان که کشورهای با اکثریت مسلمان، عدم تحرك خویش را رها کردند و طی قرنهای ۱۹ و ۲۰ در جستجوی آن برآمدند که کشورهای غربی را نمونه خود قرار دهند- زیرا نه فقط رفاه مادی بلکه اندیشه‌های سیاسی و طرز تفکر اخلاقی و معنوی این کشورها ایشان را به خود جلب کرده بود- عدم انطباق فقه با شرایط و اندیشه‌های نوین مشکلی ایجاد کرد.^۱

در ایران در جریان نهضت مشروطه برخی نوشتند:

«قوانینی که یک هزار و سیصدسال قبل نهاده‌اند، برای تازیان جزیره العرب بوده است نه برای مردم ایران و این زمان.»^۲

مشکلاتی که در این زمان جلوه کرد، مختلف بود؛ برخی به گذشته و شیوه دین‌شناسی و اجتهاد فقهی برمی‌گشت، برخی به ایرادها و شبهاتی که از تمدن جدید حاصل آمده بود و برخی دیگر به گسترش ناگهانی حوزه زندگی انسانها.

برخورد با تحولات مغرب زمین، سبب شد تا همه این مشکلات یکباره بروز کند. این مشکلات به دو گروه تقسیم می‌شود که مروری به اختصار بر آنها خواهیم داشت.

الف- مشکلات درونی

این مشکلات نشأت گرفته از نوعی گرایش در شریعت اسلامی بوده و از نوعی استنباط خیر می‌داد.

دکتر صبحی محمصانی چهل سال قبل، اسباب جمود و تأخر را در میان اهل سنت، این گونه وصف کرده است:

۱- سد باب اجتهاد. بعد از سقوط بغداد در اواسط قرن هفتم هجری پیشرفت علمی را کد شد و انحطاط آغاز گشت.

۲- تمسک به نصوص. سنت که دومین منبع تشریح است از وضع تصرف مصون نماند. با اینکه عالمان دینی به تمحیص و تدقیق در احادیث پرداختند، اما عامه مسلمین و برخی از فقها بدین گونه احادیث هم تمسک جستند و این سبب انحطاط و جمودشان گشت.

۳- تمسک به شکل و قالب و فروع. نصوص شرعی مبادی عامه و قواعد کلی را تبیین کرده است و فروع و جزئیات ثمره اجتهاد مجتهدان است و همین فروع کتب فقه را پر کرده است. اما این فروع گاه بر مبادی عامه طغیان کرده و سبب کنار گذاردن

۱. رنه داوید، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسین صنایی، محمد آشوری و عزت‌الله عراقی، ص ۴۵۴ (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹).

۲. مجله آینه اندیشه، ش ۵، ص ۲۴ به نقل از: روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، ص ۴۲-۴۳.

۳. صبحی محمصانی، الثقافة الاسلامیة والحياة المعاصرة، ص ۱۶۱-۱۸۰ (قااهرة، مؤسسه فرانکلین، چاپ دوم، ۱۹۶۲).

مورد عمل قرارداد.^۷

در کشورهای اسلامی تنها احوال شخصیه بر اساس فقه اسلامی معمول بوده و هست. البته آن هم با پرسشهای جدی در برخی قوانین روبروست.

۴

برای رفع این مشکلات حرکت‌های اصلاحی به صورت فردی و جمعی، حکومتی و آزاد انجام شد که اشاره به آن شایسته است.

الف. تدوین متون قانونی بر اساس فقه اسلامی

تدوین مجموعه‌هایی که برگرفته از منابع دینی باشد و بتواند دستورالعمل دولتها و حکومتها باشد، یکی از این حرکت‌های اصلاحی و سازنده است. در این زمینه از این مجموعه‌ها می‌توان یاد کرد.

۱- مجله الاحکام العدلیه. دولت عثمانی گروهی از فقیهان را مامور کرد تا علاقات مدنی را در فقه اسلامی بر اساس مذهب حنفی تنظیم کنند این مجموعه چون به صورت ابواب پی در پی صادر شد، نام «مجله» به خود گرفت. این مجموعه که مشتمل بر شانزده کتاب و ۱۸۵۱ ماده است، در سال ۱۲۹۳ ق به اجرا گذاشته شد. این اولین تنظیم قانونی بر اساس فقه اسلامی بود.^۸

۲- مرشد الحیران لمعرفة احوال الانسان. «محمد قدری پاشا» مشابه «مجله» در احوال شخصیه، وقف و احکام معاملات، مجموعه‌ای را در ۱۰۴۵ ماده تنظیم کرد.

۳- التشریح الجنائی الاسلامی.^۹ عبدالقادر عوده مشابه کارهای سابق را در جنایات، حدود و تعزیرات در دو جلد به

۴. حسن الامین، دائرة المعارف الشیعیه، ج ۳، ص ۳۲-۳۳ (بیروت، ۱۳۹۲ ق-۱۹۷۲ م).

۵. محمد مصطفی شلبی، الفقه الاسلامی بین المثالیة والواقعیة، ص ۲۱۹-۲۴۲. (الدار الجامعیة، بیروت، ۱۹۸۲ م)؛ مصطفی احمد الزرقاء، الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید، ج ۱، ص ۴۸-۵۳ (مطابع الف باء، دمشق، ۱۹۶۷-۱۹۶۸ م).

۶. احمد واعظی، زمینه‌های ثابت و متغیر در فقه اسلام، ص ۴، هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت، مرداد ۱۳۷۴.

۷. تاریخ التشریح الاسلامی. ص ۲۷۲-۲۷۴. مناع القطان، مکتبه وهبه، قاهره، چهارم، ۱۹۸۹ م.

۸. این مجموعه شرح و تعلیقه‌هایی نیز دارد؛ مانند: شرح المجله از محمد خالد الاتاسی در ۶ ج، چاپ پاکستان؛ تحریر المجله از محمد حسین آگ کاشف الغطاء، ۲ ج، چاپ مکتبه المرتضویة نجف.

۹. این اثر به فارسی ترجمه شده با عنوان «حقوق جهان و اسلام» ترجمه علی اکبر غفوری، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳. مرحوم سید اسماعیل صدر نیز بر آن تعلیقه نوشته‌اند که توسط بنیاد بعثت به چاپ رسیده است.

قانون دیه و قصاص را معارض با قاعده لاضرر می‌انگاشت.

۳- فقیه همیشه به دنبال حل مشکل فرد بود؛ مثلاً ربا را یک مشکل برای فرد مسلمان می‌دانست، نه یک معضله اجتماعی. به همین جهت راه حلها در این سوراخه می‌شد.

۴- این ذهنیت فردگرایانه در فهم نصوص. تاثیر می‌گذاشت، از این رو فقیه هیچ‌گاه برای شخصیت اجتماعی پیامبر و امام به عنوان حاکم و رئیس دولت جایگاهی قائل نبوده و تمام گفته‌ها و رفتار آنان را مبین حکم شرع می‌دانست.

۵- نصوص شرعی را با روح تطبیق بر واقع و اتخاذ قاعده از آن، نمی‌نگریست. بنابراین در یک موضوع خاص به احکام مختلف ملتزم می‌شد و تجزیه را روا می‌داشت.^{۱۰} وی برای هر یک از اینها از فقه نمونه‌ای را آورده است.

اینها مشکلات دسته اول است.

ب. شبهات و ایرادهای بیرونی

شبهاتی که از بیرون بر فقه وارد شد، بسیار است ولی می‌توان آنها را در سه حوزه کلی مطالعه کرد: یکی در ناحیه عقوبات شرعی است؛ یعنی حدود و تعزیرات که با مدنیت جدید ناسازگار است؛ و دیگری در مورد نظام اقتصادی جهان معاصر است که از یکسو با منفعت و سود همراه است، ولی در شریعت اسلامی تحریم شده است و از سوی دیگر معاملاتی پدید آمده که در گذشته نبوده و حکم فقهی ندارد.

البته شبهات دیگری نیز در بخش احوال شخصیه، بویژه آنچه که به حقوق زن و کودک مربوط است، وجود دارد؛ مانند: ارث زن، طلاق، تعدد زوجات و ...^{۱۱}

این مشکلات را برخی با تعبیر دیگری بیان کرده‌اند.

۱- مسأله خلأ قانونی.

۲- ظهور موانع اجرایی در راه عمل کردن برخی قوانین و احکام پیش‌بینی شده و منصوص.

۳- تبدل موضوعات و مفاهیم عرفی.^{۱۲}

از این مشکلات، برخی چنین استنتاج کرده‌اند که فقه اسلامی امروزه قابلیت اجرا ندارد.

همین مشکلات سبب شد تا کشورهای اسلامی به قوانین وضعی بیگانه رو کنند. دولت عثمانی در ۱۸۴۰ م قانون جزایی فرانسه را ترجمه کرد و جایگزین قانون عقوبات اسلامی کرد. اسماعیل پاشا نیز در مصر قانون مدنی فرانسه را

۱- کنفرانس فقه مکه. این کنفرانس که به پیشنهاد مصطفی زرقاء در سال ۱۳۸۴ ق نضج گرفت، تاکنون نه اجلاس رسمی و سالانه برگزار کرده است. پرداختن به موضوعات جدید فقهی و نقد و بررسی آن پس از پژوهشهای کارشناسانه از اهداف این اجلاس است.^{۱۳}

۲- مجمع بحوث اسلامی. این مجمع در سال ۱۹۶۱ م از سوی «الازهر» ایجاد شد. این مجمع دارای چهار کمیته است: قرآن و سنت، بحوث فقهی، احیاء تراث و دراسات اجتماعی. مجمع، کنفرانسهای سالانه‌ای را برگزار می‌کند و مسائل مورد ابتلای مسلمانان را به بحث می‌گذارد. اولین نشست آن در سال ۱۹۶۴ م برگزار شد.^{۱۴}

۳- کنفرانسهای فقهی کویت. دو کنفرانس پیرامون نظام پولی در اسلام در سالهای ۱۳۹۹ق-۱۹۷۹م و ۱۴۰۳ق-۱۹۸۳م برگزار شد. همچنین کنفرانسی در ۱۴۰۴ق-۱۹۸۴م پیرامون زکات برپا گشت. و...^{۱۵} همچنین در جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سمینار فقهی برگزار شده که از جمله می‌توان از اینها یاد کرد:

- ۱- سمینار بررسی اقتصاد اسلامی در مشهد مقدس. نشست اول این سمینار در سال ۱۴۰۹ق-۱۹۸۹م و نشست دوم آن در سال ۱۴۱۱ق-۱۹۹۰م.^{۱۶}
- ۲- سمینار دیدگاههای پزشکی در اسلام، مشهد، سال ۱۳۶۸.^{۱۷}
- ۳- سمینار مسائل و راه‌حلهای انطباق امور پزشکی با موازین شرع مقدس، تهران، سال ۱۳۷۴.^{۱۸}

۱۰. تاریخ التشریح الاسلامی. ص ۴۰۳-۴۰۵.
۱۱. تاریخ التشریح الاسلامی. ص ۴۰۶-۴۲۱.
۱۲. جهت آگاهی بیشتر از این موسوعه رجوع شود به: آینه پژوهش، ش ۳۴، ص ۲۱-۲۵.
۱۳. در این باره رجوع شود به: المعاملات المالية المعاصرة فی الفقه، ص ۴۳۷-۴۵۷؛ عمر سلیمان الأشقر، تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۲۱۲-۲۱۵ (دارالنفائس، اردن)؛ مجلة الوعی الاسلامی، ش ۲۸۴، ۱۴۰۸ق ص ۸۸-۱۰۷؛ تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۴۰۵-۴۰۷.
۱۴. تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۴۰۵-۴۰۷؛ تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۲۱۲-۲۱۵.
۱۵. المعاملات المالية المعاصرة، ص ۴۰۳-۴۲۰.
۱۶. مجموعه الابحاث والمقالات العربية والانجليزية، اشرف: محمد واعظ زاده، ج ۲، ۱۴۱۱ق و ۱۴۱۵ق، آستان قدس رضوی.
۱۷. سید حسین فتاحی، مجموعه مقالات سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، ۱۳۷۱.
۱۸. روزنامه کیهان، ش ۱۵۵۰۳، ۳۰ آبان ۱۳۷۴.

انجام رسانید. در این مجموعه مقارنه‌ای میان مذاهب فقهی و نیز قوانین وضعی صورت گرفته است. این مجموعه دارای ۶۸۹ ماده است.^{۱۱}

همچنین شایسته است از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر مصوبات مجلس شورای اسلامی که براساس فقه شیعی و شریعت اسلامی تدوین شده و مرهون حرکت عظیم امام خمینی (ره) و مردم مسلمان ایران و علما و فقهای شیعه است، نام برد.

ب. تدوین موسوعه‌های فقهی

تدوین موسوعه‌های فقهی دومین حرکت اصلاحی است که به انگیزه ارائه فقه غنی اسلامی به صورتی سهل و روان و با متد و شیوه‌های نوین، آغاز گشت. این حرکت را نخست دانشکده شریعت سوریه به سال ۱۹۵۶ م به عهده گرفت، ولی مرحله اول آن که جمع‌واژگان فقهی بود و دکتر محمدزکی عبدالبر آن را بر عهده داشت، به پایان نرسید.

با اتحاد مصر و سوریه در سال ۱۹۵۸ م کمیته‌ای مشترک از علمای سوریه و مصر زیر نظر وزیر اوقاف مصر برای ادامه کار، مشکل گرفت و «موسوعه جمال عبدالناصر» که تاکنون بیست و چهار جزء آن منتشر شده و حرف الف نیز به پایان نرسیده، ثمره آن است.

با تیرگی روابط مصر و سوریه و از هم پاشیدن آن کمیته، کار ناتمام باقی ماند.

برای بار دوم «جمعیت دراسات اسلامی مصر» به ریاست محمد ابوزهره موسوعه‌ای دیگر را آغاز کردند که آن نیز ناتمام ماند.

چهارمین حرکت را وزارت اوقاف کویت شروع کرد که تاکنون هفت جزء از آن نشر یافته است.^{۱۱}

همچنین شایسته است اقتراح رهبر معظم انقلاب اسلامی را برای تدوین دایرةالمعارف فقه اهل بیت (ع) را بستايم و این اندیشه ژرف و بلند را ارج نهسیم و نیز برای دست اندرکاران دایرةالمعارف طلب توفیق کنیم.

نیز بتازگی اولین مجله از «موسوعه الفقهية المیسرة» به بازار دانش عرضه گشت و دانشیان را خرسند ساخت.^{۱۲}

ج. کنفرانسهای فقهی

در راستای اصلاحات، باید از نشستهای فقهی نیز یاد کرد:

تحولات زندگی در قلمرو نیازهای متغیر انسان رخ می دهد که دارای احکام متغیر است، اما در ناحیه ثابت زندگی تحولی نیست تا نیاز به دگرگونی احکام باشد.

دیرباترین تعبیر در این زمینه در سخنان ابن قسیم (۶۹۱-۷۵۱ق) در کتاب «اغاثة اللهفان» آمده است. وی در آنجا می گوید:

«الاحکام نوعان: نوع لا یتغیر عن حالة واحدة هو علیها لا بحسب الأزمنة ولا الامکنه ولا اجتهاد الاغثة کوجوب الواجبات و تحريم المحرمات والحدود المقدره بالشرع علی الجرائم ونحو ذلك، فهذا لا یتطرق الیه تغییر ولا اجتهاد ینخالف ما وضع علیه. والنوع الثانی: ما یتغیر بحسب اقتضاء المصلحة له زماناً ومکاناً وحالا کمقادیر التعزیرات واجناسها وصفاتها فان الشارع ینوع فیها حسب المصلحة... وهذا باب واسع اشتمبه علی كثير من الناس الاحکام الثانیة اللازمة التي لا یتغیر، بالتعزیرات التابعة للمصالح وجوداً وعدمًا.»^{۱۹}

احکام دو دسته اند، برخی از آنها در هیچ شرایطی تغییر بردار نیست و اجتهاد نیز در آن راهی ندارد؛ مانند: واجبات و محرمات و حدود شرعی. دسته ای دیگر به حسب اقتضای زمان و مکان تغییر پذیر است؛ مانند: تعزیر که بر اساس مصلحت در کمیت و کیفیت تغییر بردار است.

علامه سید محمد حسین طباطبائی (۱۲۸۱-۱۳۶۱) از فقیهانی است که به این تئوری اشاره کرده است:

«اجمالاً دانستیم که اسلام مقررات خود را به دو قسم متمایز و جدا از هم تقسیم می نماید: مقررات ثابت و متغیر.

مقررات ثابت، مقررات و قوانینی است که در وضع آنها واقعیت انسان طبیعی در نظر گرفته شده، یعنی طبیعت انسانی... و نظر به اینکه ساختمان وجودی آنها یکی است و در خواص انسانیت یکی می باشند، بدون تردید حواشی و نیازمندهای آنها نیز مشترکاً یک طبیعت داشته و مقررات یکنواخت لازم دارند...»

همانطور که انسان یک رشته احکام و مقررات ثابت و پابرجا؛ که به اقتضای نیازمندهای ثابت طبیعت و یکنواخت او وضع شود، لازم دارد، همچنین به یک رشته مقررات قابل تغییر

۱۹. رجوع شود به: مجله نقد و نظر، ش ۱، سال اول، مقاله «کتابشناسی توصیفی فقه مقارن»، ص ۲۶۷-۲۷۸.
۲۰. الخصائص العامة للإسلام، ص ۲۰۵، به نقل از اغاثة اللهفان، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۶۹ (مکتبه وهبه، قاهره، چاپ چهارم، ۱۴۰۹ق-۱۹۸۹م).

د. پرداختن به فقه مقارن

فقه تطبیقی بین مذاهب اسلامی سابقه ای دیرینه دارد، اما مقارنه و تطبیق میان فقه اسلامی و قوانین وضعی امری نوپاست و یکی از حرکت های اصلاحی نسبت به فقه اسلامی است. این عمل نیز در معرفی فقه اسلامی به مجامع قانون گذاری دنیا و نشان دادن قوت های فقه اسلامی بسی سودمند است. در این زمینه می توان از این آثار نام برد:

نوشته های عبدالرزاق السنهوری؛ چون مصادر الحق فی الفقه الاسلامی، ج ۶؛ الوسیط ۱۵ ج؛ آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، نوشته وهبه الزحیل، ج ۲؛ حقوق الانسان، نوشته محمد سعید الدقاق و عبدالعظیم وزیر، ج ۴؛ احکام السجون بین الشریعة والقانون، اثر احمد الوائلی؛ الدفاع الشرعی فی الفقه الاسلامی، نوشته محمد سعید عبدالتواب و کتب فراوان دیگر.^{۱۹}

۴

تا اینجا گویا که از مشکلات فقه اسلامی را در دنیای کنونی و پاره ای از اصلاحات مربوط بدان را برشمردیم. این اصلاحات به طور عمده به شکل و قالب نظر داشت و یا به تحولاتی جزئی و درون فقهی منتهی می شد. در کنار این گونه بازسازیها، نیاز مبرم به انجام تحولات مبنایی و اصولی است چنین امری به عمق بخشیدن فقه و گستردگی آن بدور از افراط و تفریط کمک شایان می کند.

تئوری های گونه گونی در زمینه حل مشکلات اساسی عرضه شده، ولی تحقیق و پژوهش پیرامون آنها اندک است و هنوز این تئوریها به نظریه های علمی تبدیل نشده، تا بتواند یک نظام فکری بسازد.

مروری بر این تئوریها برای پژوهشهای جدی و گسترده کارساز خواهد بود. در این مقال سعی می شود تا این دیدگاهها له ترتیب زمانی عرضه شود. البته هدف گزارش اجمالی است و از این رو تفصیل و تشریح و نقد آنها صرف نظر شده است.

۱- تقسیم احکام شرعی به ثابت و متغیر

قدیمی ترین دیدگاه در زمینه انطباق شریعت اسلامی با دنیای متحول انسانی این رأی است. با این تقسیم بندی در ناحیه احکام شرعی و فقهی مشکل عدم انطباق، مرتفع می شود، زیرا

۴- عناوین ثانویه .

۵- لزوم رعایت اهم و مهم .^{۲۳}

مرحوم محمدجواد مغنیه ثابت‌ها را، اعتقادات، عبادات و مباحث ارث، ازدواج و طلاق می‌داند و معاملات را حوزه متغیر دانسته و فرموده است:

«اما المعاملات بالمعنى المتقدم فليس للشارع فيها حقيقة كالعبادة ولا هي ثانية راسخة في نفسها كموضوع العقيدة واما في عادات وقواعد عرفية اصطلاح الناس عليها .

والشارع اقر بعضها كما هي والغنى بعضاً من الاساس وقلم او طعم البعض الاخر في نطاق المصلحة وحدود الله وحرامه» .^{۲۴}
دکتر یوسف قرضاوی معتقد است:

«ثبات در اهداف و مروت در وسایل و اسلوبها

ثبات در اصول و کلیات و مروت در فروع و جزئیات

ثبات در ارزشهای دینی و اخلاقی و مروت در شئون دنیوی

و علمی

ثبات در مصادر قطعی و اصلی و مروت در مصادر اجتهادی مانند اجماع و قیاس .^{۲۵}

دکتر عبدالمنعم النمر حوزه تغییر احکام را برخی از معاملات دانسته است .^{۲۶}

برخی دیگر گفته‌اند: حوزه ثبات، عبارت است از اعتقادات، عبادات و اخلاق . و حوزه تغییر، عبارت است از معاملات، احکام دستوری و حکومتی و قانون عقوبات در غیر محدود .^{۲۷}

استاد محمدتقی جعفری در سلسله مقالانی که در «کیهان فرهنگی» منتشر شد، برخی از اصول ثابت و متغیر را در زندگی انسان برشمرده‌اند .^{۲۸} همچنین در شرح مثنوی ۲۰۰ نمونه از

۲۱. بررسیهای اسلامی، ج ۲، ص ۳۹-۴۲. این گفتار علامه به صورتهای دیگر نیز به چاپ رسیده است؛ ر. ک: فراهانی از اسلام، ص ۷۵-۷۹ (انتشارات جهان‌آرا)؛ در سایه اسلام و قرآن، ص ۱۱۹-۱۲۵ (انتشارات اهلیت(ع)).

۲۲. بررسیهای اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱ (دفتر تبلیغات اسلامی).

۲۳. علی رحمانی سبزواری، گفتاری در زمینه‌های ثابت و متغیر و انطباق ثابت بر متغیر، هشتمین کنفرانس وحدت.

۲۴. الاسلام بنظرة عصرية، ص ۹۴-۹۶ (دار النیاب الجدید- دار الجواد، بیروت، چهارم، ۱۴۱۱ق).

۲۵. الخصائص العامة للإسلام، ص ۲۰۰ و ص ۲۰۳-۲۰۴.

۲۶. الاجتهاد، ص ۱۲۶.

۲۷. محمد محمد الملتی، الاجتهاد والتجديد، ص ۵۲-۵۴، (الجمهورية التونسية).

۲۸. کیهان فرهنگی، ش ۹۲، ص ۱۶-۲۰ و ش ۹۴، ص ۱۸-۲۱ و ش ۹۵،

ص ۴۲-۴۶ و ش ۹۶، ص ۳۴-۳۸ و ش ۹۷، ص ۲۰-۲۲.

و تبدیل نیازمند است و هرگز اجتماعی از اجتماعات انسانی بدون این گونه مقررات حالت ثبات و بقا را به خود نخواهد گرفت ...

در مورد همین قسم از احکام و مقررات، در اسلام اصلی داریم که ما در این مقاله از آن به نام «اختیارات والی» تعبیر می‌کنیم و این اصل است که در اسلام به احتیاجات قابل تغییر و تبدیل مردم در هر عصر و زمان و در هر منطقه و مکانی پاسخ می‌دهد .^{۲۹}

علامه به این مطلب در مقاله ولایت و زعامت در اسلام نیز اشاره کرده است:

«از بیانات گذشته چند نکته دستگیر می‌شود:

نکته اول- چنانکه معلوم شد مقررات اسلامی بر دو قسمتند و به عبارت دیگر در جامعه اسلامی دو نوع مقررات اجرا می‌شود. نوع اول احکام آسمانی و قوانین شریعت که موادی ثابت و احکام غیر قابل تغییر می‌باشند. اینها یک سلسله احکامی هستند که به وحی آسمانی به عنوان دین خطری غیر قابل نسخ بر رسول اکرم نازل شده‌اند و برای همیشه در میان بشر واجب الامر معرفی گردیده ...

نوع دوم مقرراتی است که از کرمی ولایت سرچشمه گرفته به حسب مصلحت وقت وضع شده و اجرا می‌شود. البته چنانکه روشن شد این نوع از مقررات در بقا و زوال خود تابع مقتضیات و موجبات وقت است و حتماً با پیشرفت مدنیت و تغییر مصالح و مفاسد تغییر و تبدل پیدا می‌کند. آری خود اصل ولایت چنانکه خواهد آمد، چون یک حکم آسمانی و از مواد شریعت است، قابل تغییر و نسخ نیست .^{۳۰}

از مطالبی که در تبیین این تئوری بدان توجه شده، تعیین قلمرو ثابت و متغیرات که در اینجا فهرستوار بدان اشاره می‌کنیم:

همانگونه در سخن علامه دیدیم، ایشان حوزه متغیر را حوزه اختیارات والی می‌دانست. برخی زمینه‌های متغیر را چنین گفته‌اند:

۱- ترقیات علمی و فنی که در پرتو آن ابزار و وسایل متحول می‌شود.

۲- پدیده‌های بی سابقه.

۳- اختیارات حکومت.

اصل دوم «تلفیق» است که مقصود عبده از آن آمیختن و سازگار کردن احکام مذاهب چهارگانه اهل سنت است در حل مسائل اجتماعی. فقهای سنی پیش از عبده نیز قبول داشتند که قاضی در تفسیر قواعد فقهی می تواند از هر یک از مذاهب چهارگانه، حتی اگر مذهب خود او نباشد، در مواردی معین پیروی کند. عبده این اصل را نیز تعمیم داد و گفت به اقتضای اوضاع و احوال می توان از هر یک از مذاهب چهارگانه اقتباس کرد، بلکه احکام هر چهار مذهب را به اضافه تعالیم حقوقدانان که به هیچ یک از آنها تعلق ندارند، باید با یکدیگر به طور منظم مقایسه کرد و سنتز یا مجموعه ای از بهترین آرای حقوقی را فراهم آورد.^{۲۹}

۳- تئوری صبحی محمصانی

دکتر صبحی محمصانی در کتاب «فلسفه التشریح فی الاسلام» که به فارسی نیز با نام «فلسفه قانونگذاری در اسلام» ترجمه شده، بحثی مفصل از تحول قوانین دارد و خود در خلاصه آن بحث می گوید:

«نظریات مختلف دانشمندان حقوق و اجتماع اسلامی در مورد تغییر قوانین شرعی بر وفق گردش روزگار و احوال و اختلاف امکانه اجمالاً بیان شد، اکنون ناگزیریم پنج مورد زیرین را تذکر دهیم تا اهمیت اختلاف موجود را در این زمینه به حداقل برسانیم:

- اول. میدان اختلاف بسیار کم است.
- دوم. احکامی که در معرض تغییر و تعدیل قرار می گیرد، غالباً مربوط به جزئیات است، نه قواعد کلی.
- سوم. رأی مختار فقیهان این است که هنگام ضرورت، عملی برخلاف نص جایز است.
- چهارم. بسیاری از نص ها که به سنت منسوب است، در حقیقت از تباطی با سنت ندارد.
- پنجم. برخی از احادیث مربوط به زندگی دنیوی افراد است و این آراء واجب الاتباع نیست.^{۳۰}

۲۹. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۱۳، ص ۱۹-۵۸.
 ۳۰. همچنین در این زمینه به این منابع رجوع شود: مجله بصائر، ش ۱۳، ص ۸-۱۴ و ش ۱۳-۱۴ ص ۱۵-۱۸؛ مقاله «زمینه های ثابت و متغیر» از دکتر مهدی صناعی. مجله حوزه و دانشگاه، ش ۵، ص ۵۲-۶۲؛ گفتگو با آیت الله مؤمن در مقالات هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی.
 ۳۱. حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۴۰-۱۴۱ (امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰).
 ۳۲. صبحی محمصانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام. ص ۲۰۴-۲۰۵، ترجمه اسماعیل گلستانی (امیرکبیر، تهران، دوم، ۱۳۵۸).

اصول ثابت در زندگی را معرفی کرده اند. این نمونه ها می تواند در چهارچوب این تئوری مفید و کارگشا باشد.^{۲۹}

بدین معنا که وی به تعیین ثابت و متغیر در حوزه شریعت پرداخته، ولی ثابتها و متغیرها را در حوزه زندگی انسان نشان داده است، لکن برای صاحبان این تئوری می تواند مفید افتد. این تئوری با اینکه سابقه دیرینه دارد و پژوهشهایی پیرامون آن صورت یافته و حتی یکی از محورهای سه گانه هشتمین کنفرانس وحدت اسلامی (مرداد ۱۳۷۴) بوده هنوز بختگی لازم را نیافته است. و پرسشهای جدی در برابر آن وجود دارد؛ از قبیل:

- الف- ثبات و تغییر در زندگی آدمی چگونه شناسایی می شود.
- ب- ثبات و تغییر احکام شرعی چه ملاکهای ثبوتی و اثباتی دارد.^{۳۰}

۲- تئوری شیخ محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ق-۱۸۴۹-۱۹۰۵م) عبده، اولاً میان احکام عبادات و معاملات فرق می گذاشت و می گفت قرآن و حدیث احکام دقیق و مفصلی درباره عبادات وضع کرده، ولی درباره معاملات بعضی روابط میان مردم تنها به بیان اصول کلی قناعت نموده و تطبیق آنها را بر اوضاع و احوال خاص زندگی هر دوره به عهده مردم آن دوره گذاشته است. او برای تطبیق شریعت بر اوضاع و احوال جهان امروز دو اصل را به کار می بست:

«نخست اصل مصلحت یا «استصلاح» که مذهب مالکی اهل سنت قائل به آن است، و عبارت است از عدول از نتایج قیاس برای رعایت مصالح مردم؛ و نتیجه عمل آن این است که اگر قاعده ای- که از قرآن و سنت گرفته شد- به حال مسلمانان زیان آور باشد، می توان آن را به حکم مصلحت مسلمانان کنار گذاشت. عبده که خود در اصل پیرو مذهب مالکی بود، اما در الازهر فقه حنفی را نیز فرا گرفته بود، استصلاح را به معنایی وسیعتر تعبیر می کرد؛ بدین شرح که در تشخیص مصلحت، علاوه بر قرآن و حدیث، اصولی کلی اخلاقی را مبنای کار خود می گرفت. او می گفت که خداوند این اصول را از طریق پیامبران ابلاغ کرده است ولی انسان باید به یاری عقل خود آنها را با مسائل خاص زندگی اجتماعی تطبیق دهد؛ و چون مصالح مردم پیوسته دگرگون می شود و شیوه به کار بستن این اصول نیز باید تغییر کند.

پرداخته است و در کتابهای «ختم نبوت»^{۳۵}، «نظام حقوق زن در اسلام»^{۳۶} و «اسلام و مقتضیات زمان»^{۳۷} از این قضیه سخن گفته است. وی در سال ۱۳۴۵ در مسجد اتفاق تهران این بحث را ارائه کرده و در ۱۳۵۳ در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» بدان پرداخت که در «ختم نبوت» صورت کاملتری یافت وی در این کتاب نمی گوید: «مسلماً یک قانون جاودانه اگر بخواهد بر تمام صور متغیر زندگی احاطه نماید و راه حل تمام مشکلات را ارائه دهد و هر مشکلی را به صورت خاصی حل نماید، باید از نوعی دینامیسم و تحرك و از نوعی انعطاف بهره مند باشد، خشک و جامد و انعطاف ناپذیر نباشد، اکنون باید ببینیم اسلام با فقط اصل: «حلال محمد حلال الی یوم القیامة» و حرام محمد حرام الی یوم القیامة» چگونه راه حل‌های مختلف در صور گوناگون زندگی نشان می دهد. مسلماً باید در سیستم قانونگذاری اسلام راز و رمزی نهفته باشد تا بتواند بر این مشکل عظیم فائق آید.

مادر و منبع همه رازها و رمزها، روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن به فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان است.^{۳۸}

ایشان آنگاه با تشریح و بحث از مشخصات هفتگانه که نشان انعطاف و بقای دین اسلام است، پرداخته است. ما در اینجا فهرستوار از آنها یاد می کنیم:

- ۱- پذیرش و وارد کردن عقل در حریم دین.
- ۲- جامعیت و وسطیت.
- ۳- نپرداختن به شکل و صورت و ظاهر زندگی.
- ۴- قوانین ثابت و متغیر.
- ۵- رابطه علی و معلولی احکام اسلام با مصالح و مفاسد واقعی.

۶- قواعد کنترل کننده.

۷- اختیارات حکومت اسلامی.^{۳۹}

۶- تئوری شهید صدر (م ۱۴۰۰ ق ۱۳۵۹ ش)

شهید سید محمد باقر صدر (ره) از شخصیت‌های بزرگ شیعی

۳۳. همان، ص ۲۰۸-۲۲۴.

۳۴. الفقه الاسلامی بین المشالیه الواقعیه، ص ۱۲۶-۱۳۰ و ص ۱۳۱-۱۳۴ و ص ۱۳۵-۱۳۷، و ص ۱۳۷-۱۴۲، و ص ۱۴۲-۱۵۵ و ص ۱۶۳-۲۱۸.

۳۵. مرتضی مطهری، ختم نبوت، ص ۷۱-۹۰ (صدر، قم، ۱۳۵۴).

۳۶. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۰۱-۱۳۷ (صدر، قم، چهاردهم، ۱۳۶۹).

۳۷. مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، (صدر، قم).

۳۸. ختم نبوت، ص ۷۱-۷۲.

۳۹. ختم نبوت، ص ۷۷-۸۷.

پس از آن سه قاعده را برای تعدیل قوانین برمی شمرد.

۱- حیل‌های شرعی. مراد نویسنده آن است که گاه حیل‌های برای زیروکردن قانونی معین برای تطبیق با شرایط دیگر به کار می رود. این حیل‌ها به دو قسم مباح و مورد اختلاف تقسیم شده است. برای حیل‌های مباح مثال می آورد به اینکه در «بخارا» اجاره‌های طویل المدة. مرسوم بود و فقهای حنفی اجاره طولانی را در مورد درختان جایز نمی دانستند و برای فرار از چرخ قانون اجاره درختان به صورت بیع و فاء انجام می گرفت.

برای حیل‌های مورد اختلاف نیز مثل‌های بسیار ذکر کرده است. ۲- به کار گرفتن عرف و عادت در قانونگذاری. در این مورد نیز نمونه‌های مهم آن را در چهار عنوان ذکر می کند و نمونه می آورد که چگونه عرف و عادت در قانونگذاری راه یافته است.

۳- اختیارات حکومت در قانونگذاری یکی از قواعد تعدیل قوانین است. که در این زمینه نیز بحث مبسوطی را ارائه کرده است.^{۳۳}

۴- تئوری مصطفی شبلی

دکتر محمد مصطفی شبلی در کتاب «الفقه الاسلامی بین المثالیة والواقعیة» پس از تبیین واقعی بودن فقه اسلام و توان پاسخ گویی به شبهات، عوامل مرونیت را که سبب حرکت پایای فقه اسلامی با زندگی است، بیان کرده است. فهرست عوامل ذکر شده در کتاب چنین است:

۱- تفصیل در احکام عبادات و بیان قواعد کلی در غیر عبادات.

۲- تعلیل در احکام شرعی که خود نشان‌دهنده آن است که فقیه نیز می تواند آن را به کار گیرد.

۳- نصوص قطعی الدلالة و ظنی الدلالة که در قسم دوم جای اجتهاد و تاویل باز است.

۴- تفصیل در محرمات و اجمال و اطلاق در مباحات و امور حلال.

۵- تقسیم سنت رسول خدا با سنت تشریح و غیر تشریح، که سنت غیر تشریحی در دوره‌های بعد لازم الاجرا نیست.

۶- به کارگیری صحیح مصادر تبعی چون: اجماع، قیاس، استحسان، سد ذرایع و مصالح مرسله.^{۳۴}

۵- تئوری شهید مطهری (۱۳۹۲ ق ۱۳۵۸ ق)

شهید مطهری در میان عالمان شیعی بیش از همه به این مساله

احساس نیاز شد، همه جا، بدون لطمه زدن به حرمت حقوق و سایلی برای پذیرش راه‌حلهایی که ضروری می‌نمود، پیدا کردند ...

در مورد حقوق اسلامی وضع جز این نیست. حقوق اسلامی تغییرناپذیر است، اما چنان نقشی برای عرف و عادت، قرار داد و توافق طرفین و نظامات اداری قایل است که امکان ندارد بدون لطمه زدن به اصل حقوق راه‌حلهایی بیابد که ایجاد جامعه‌ای نو را ممکن کند. اگر روش سازماندهی درست باشد، فقط به صورت استثنایی ممکن است کهنگی پاره‌ای نهادها یا قواعد حقوق اسلامی موجب زحمت شود.^{۴۵}

آنگاه این موارد را به عنوان راه حل مطرح کرده است:

الف- استمداد از عرف و عادت.

ب- استفاده از قراردادها.

ج- حیل‌های حقوقی و فرضها.

د- مداخله حاکم.^{۴۶}

۸- تئوری دکتر یوسف قرضاوی

دکتر یوسف قرضاوی از اندیشمندان اهل سنت است که بجد به مسأله انطباق فقه اسلامی با تحولات پرداخته و در کتب متعدد خود به این قضیه توجه کرده است. وی در کتابهای «الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة»، «الخصائص العامة للاسلام» و «عوامل السعة والمرونة فی الشریعة الاسلامیة» از این موضوع سخن گفته است.

در کتاب اول دو نوع اجتهاد را امری ضروری برای فقه در جهان معاصر می‌داند:

«اجتهاد انتقادی یا توجیهی» بدین معنا که فقیه در تراث فقهی به تأمل و تفکر رو می‌کند و آنچه مناسب برای جهان امروز است، اختیار می‌کند. این اختیار و گزینش باید با این معیارها همسو و شایسته انسان معاصر باشد. به سهولت و یسر شریعت نزدیک باشد و مقاصد شریعت را بهتر محقق سازد. دایرة ترجیح و گزینش، مذاهب فقهی و رأی فقهای صحابه و تابعین و غیر

در تاریخ معاصر است که بر اثر نبوغ فکری و گستردگی اندیشه با این مسأله درگیر شده است. ایشان گرچه به صورت منسجم به این امر نپرداخته، اما به سبب ورود در پاره‌ای از حوزه‌ها چون تبیین اقتصاد اسلامی «اقتصادنا»، «البنک اللاروی فی الاسلام» و «المحة فقهیة عن مشروع دستور الجمهوریة الاسلامیة فی ایران» و تبیین فقهی قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران راهبردهایی که بتوان تئوری نامبرده را در حل مشکل از آن استخراج کرد، وجود دارد. گرچه ابهام و گاه تناقض در برخی از آنها دیده می‌شود. در اینجا مواد پراکنده‌ای را که می‌توان گفت اساس و موادخام تئوری ایشان است، فهرستوار ذکر می‌کنیم:

۱- منطقه الفراغ. وی در این زمینه گفته است:

«طبیعت متغیر و متطور دسته‌ای از وقایع و نیازهای بشر باعث می‌شود که «منطقة الفراغ» تشریحی وجود داشته باشد که البته شارع آن را محمل نگذاشته، بلکه والی موظف است حکم مناسب آن را وضع کند.»^{۴۰}

۲- نطاق البدائل المتعددة. ایشان معتقد است در مواردی که اجتهادهای متعدد وجود دارد مجلس قانونگذاری که منتخب مردم است، می‌توان یکی را برگزیند.^{۴۱}

۳- تقسیم روایات به تبلیغی و ولایی و اینکه احادیث ولایی به شخصیت حکومتی و زعامت پیامبر (ص) و امام برمی‌گردد. این احکام برای همه دوره‌ها لازم‌الاتباع نیست.^{۴۲}

۴- تقسیم احکام شرعی به ثابت و متغیر.^{۴۳}

۵- اختیارات والی و حاکم.^{۴۴}

۷- تئوری رنه داوید

رنه داوید در فصل «انطباق حقوق اسلامی با دنیای جدید» پس از پذیرش اصل مسأله انطباق، راه حل قابل توجهی ارائه کرده است:

«حقیقت این است که حقوق اسلامی اگرچه غیر قابل تغییر است، اما در عین حال از منابع زیادی برخوردار است، لذا جادارد همانند تغییرناپذیری آن به قابلیت انعطاف هم ارج نهاده شود. بین این دو مشخصه هیچ ناسازگاری وجود ندارد. خیلی به آسانی فراموش می‌شود که در کشورهای مغرب زمین هم حقوق، حتی اگر مقدس نبود، مدت زیادی از جمله اموری محسوب می‌شد که نمی‌بایستی به آن دست زد؛ ولی زمانی که

۴۰. محمد باقر الصدر، اقتصادنا، ص ۷۲۱. الاسلام یقود الحیة، ص ۱۹، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت-لبنان، ۱۴۱۰ق-۱۹۹۰م.

۴۱. الاسلام یقوم الحیة، ص ۱۹-۱۸.

۴۲. همان، ص ۴۹-۵۲. اقتصادنا، ص ۴۰۱ و ص ۴۱۴ و ص ۷۲۶-۷۲۸.

۴۳. همان، ص ۴۳.

۴۴. منابع این بند در پاورقی ش ۴۰ و ۴۲ ذکر شده است.

۴۵. نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، ص ۴۵۵-۴۵۶. این کتاب در سال ۱۳۵۶-۱۹۷۸م تألیف و در سال ۱۳۶۴ به فارسی منتشر شده است.

۴۶. همان، ص ۴۵۷-۴۵۹.

۴- رعایت ضرورت و شرایط استثنائی. مانند قاعده: «المشقة تجلب التيسير»، «الضرورات تبيح المحظورات» و...
 ۵- تغییر فتوا با تغییر زمان و مکان. فقیه با در نظر گرفتن «مقاصد شریعت» در حوزه تغییرپذیر احکام، به اجتهاد می پردازد و بطور قهری به اختلاف فتوا منجر می شود.^{۵۲}
 ایشان برای هر یک از محورهای، نمونه های زنده و فراوان ذکر کرده است.

۹- تئوری امام خمینی (ره) (۱۳۰۹م-۱۳۶۸ش)

فقیه بزرگ حضرت امام خمینی (ره) در جریان ده سال تجربه عملی ساختن فقه اسلامی در عرصه زندگی، رهنمودهایی دارد که می توان از آن با عنوان «تئوری انطباق فقه با تحولات زندگی» یاد کرد. به گمان می رسد در ده ساله پایان عمر شریف امام، سه مطلب ارائه شده که مبنای این تئوری است.
 ۱- تأثیر زمان و مکان در اجتهاد. ایشان این مطلب را در تذکره به اعضای شورا نگهبان در دیماه ۱۳۶۷ و در نامه به روحانیون در اسفندماه همان سال گوشزد کرده اند.

«تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم گیریهاست.»^{۵۳}
 «این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مساله ای که در قدیم، دارای حکمی بوده است به ظاهر، همان مساله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.»^{۵۴}

۲- اختیارات حکومت. ایشان در طول انقلاب اسلامی در پاسخ به نامه های شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، روسای سه قوه، و پیامهای عام و همچنین در درسهای سالهای

۴۷. یوسف القرضاوی، الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیه، ص ۱۱۴-۱۲۹، (دارالقلم، کویت، دوم، ۱۴۱۰ق-۱۹۸۹م).
 ۴۸. همان، ص ۱۰۲-۱۰۸.
 ۴۹. همان، ص ۱۲۹.
 ۵۰. یوسف القرضاوی، الخصائص العامة للاسلام، ص ۲۲۳-۲۲۸ و ص ۱۹۹-۲۲۲، مکتبه وهبه، قاهره، چهارم، ۱۴۰۹ق-۱۹۸۹م.
 ۵۱. عوامل السعة والمرونة، ص ۱۱.
 ۵۲. همان، ص ۱۳-۱۱۱.
 ۵۳. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۱.
 ۵۴. همان، ص ۹۸.

آنان است.

عوامل موثر در این گزینش عبارت است از:

- دگرگونی های سیاسی، اجتماعی منطقه ای و جهانی.

- معارف و علوم عصری.

- ضرورتها و نیازمندهای عصری.

قسم دوم «اجتهاد ابداعی و انشائی» است که فقیه در حوزه مسائل جدید یا مسائل کهن که گذشتگان بدان فتوا نداده اند، به اجتهاد دست می زند.^{۴۷}

وی بر دو حوزه جدید بویژه تأکید می کند: یکی مسائل اقتصادی و مالی و دیگری مسائل پزشکی.^{۴۸}
 همچنین گفته است که ممکن است اجتهاد، جامع بین ابداع و ترجیح باشد.^{۴۹}

در کتاب «الخصائص العامة للاسلام» پس از آنکه ثبات و انعطاف را در قرآن و سنت و آرای صحابه نشان می دهد، می گوید: فقیه از یکسو به نصوص محکم قرآن و سنت مقید است و از سوی دیگر خود را در مقابل دو منطقه بازمی بیند.

۱- منطقه فراخ تشریحی که فقیهان گذشته آن را منطقه «عفو» می نامند. در این حوزه شرع ساکت است.

۲- منطقه نصوص محتمله یا منطقه نصوص متشابه. در این حوزه شارع حکیم بعمد به گونه ای سخن گفته که بیش از یک فهم و یک رای از آن قابل استنتاج باشد.^{۵۰}

در کتاب سوم یعنی «عوامل السعة والمرونة» تئوری وی کمال می یابد و می گوید:

«مایلم سعه شریعت اسلامی و انعطاف آن را در برابر تحولات بشری و تغییرات زمانی و مکانی بازگویم و صلاحیت آن را برای تطبیق در هر زمان و مکان روشن کنم»^{۵۱}

آنگاه عوامل انعطاف و مرونت چنین را بر شمرده است:

۱- منطقه العفو یا منطقه الفراغ. این حوزه ای وسیع در شریعت اسلامی است و با قیاس، استحسان، استصلاح و عرف پرمی شود.

۲- اهتمام نصوص به احکام کلی. معظم نصوص، احکام و مبادی کلی را باز گفته و به جزئیات، تفصیلات و کیفیات نپرداخته است.

۳- قابلیت نصوص برای فهمهای متعدد. نصوصی که به جزئیات پرداخته، قابلیت فهم و تفسیرهای متعدد را دارد.

- ۱- زمان و مکان در تغییر موضوعات احکام نقش دارد. ۶۰
 - ۲- زمان و مکان در تغییر متعلق احکام موثر است. ۶۱
 - ۳- زمان و مکان در تغییر فهم فقیه اثر می گذارد؛ مانند:
حکم آب چاه. ۶۲
 - ۴- مراد از تاثیر زمان و مکان در اجتهاد شناخت موضوعات مستحده است. ۶۳
 - ۵- تاثیر زمان و مکان در تغییر مصالح عامه مسلمین. ۶۴
 - ۶- تاثیر زمان و مکان در وجود جهت و قصد محله و عدم آن. ۶۵
 - ۷- تاثیر زمان و مکان در دگرگونی ضرورتها و مصالح عمومی و عقلایی. ۶۶
 - ۸- تاثیر زمان و مکان در مرحله اجرائی حکم. ۶۷
 - به جز اینها تاثیر زمان و مکان در دگرگونی عرف و ملاکات احکام نیز بر زبان برخی جاری است.
 - ۹- تاثیر زمان و مکان در دگرگونی ارزشهای اخلاقی؛ مانند: مسأله برده داری. ۶۸
 - ۱۰- تاثیر زمان و مکان در تغییر ساختار اقتصادی. ۶۹
- البته نسبت به دو عنصر دیگر در تئوری امام خمینی (ره) مع الاسف تلاش کمتری صورت گرفته است. دایره اختیارات حکومت بروشنی مورد تحلیل فقهی واقع نشده است و کمتر از آن به مسأله جمود در برداشت از اخبار و روایات پرداخته شده است، با اینکه عنصر بسیار حساسی است؛ چراکه تا معیارهای برداشت مجاز و ممنوع روشن نشود، نمی توان به آسانی حریم اختیارات حکومت و همچنین تاثیر زمان و مکان در اجتهاد را

قبل از انقلاب در نجف اشرف مطالبی بسیار در این راستا فرموده اند، که از مجموع آنها استفاده می شود بسیاری از مشکلات فقه و زندگی با این اختیارات حل می شود.

در اینجا به مواردی فهرستوار اشاره می کنیم:

- فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت. ۵۵

- تبیین اختیارات حاکم در پاسخ به حضرت آیت الله خامنه ای. ۵۶

- واگذاری اجرای احکام ثانویه به مجلس شورای اسلامی. ۵۷

- اختیار حاکم در اجرای طلاق در فرض ابای شوهر. ۵۸

- و ...

۳- پرهیز از جمود در تلقی از اخبار و روایات. ایشان در پاسخ نامه یکی از علما مرقوم داشتند:

«این جانب لازم است از برداشت جناب عالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنابر نوشته جناب عالی زکات تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری است که ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده است راهی نیست و «رهان» در «اسبق و رمایه» مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن که در جنگهای سابق به کار گرفته می شده است و امروز هم تنها در همان موارد است. و انقال که بر شیعیان تحلیل شده است، امروز هم شیعیان می توانند بدون هیچ مانعی با ماشین های کذایی جنگلها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است نابود کنند و جان میلیون ها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و مساجدی که در خیابان کشیها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن. و بالجمله آن گونه که جناب عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحرا زندگی نمایند. ۵۹»

سخن امام نسبت به تاثیر زمان و مکان در اجتهاد و تفسیرهای متفاوت و گاه متناقض را بدنبال داشته است. نبودن مسأله و عدم تفسیر آن از سوی امام سبب این برداشت های گوناگون شده است. در اینجا فهرستوار به تفسیرهای انجام یافته اشاره می کنیم:

«... بنابراین علاوه بر اخبار آحاد که داریم باید دست نیاز به سوی دلیل انسداد نیز دراز کنیم و برای آن ارجح و بها قائل شویم و در سایه آن که ظن مطلق را به ما ارزانی می‌دارد، بتوانیم از دلیل عقلی از مصلحتها و مفسده‌ها که همواره ملاک تشریح احکام اسلامی بوده‌اند، بهره‌های کافی بگیریم تا دیگر به ما نگویند که کاری از دلیل عقل و مصالح مرسله ساخته نیست.»^{۷۱}

ایشان در همین راستا احکام مستفاد از نصوص اسلامی را چهار قسم می‌داند.

۱- احکام اصول عقاید.

۲- احکام عبادات و تعبدیات.

۳- احکام اخلاقی.

۴- احکام عادی و عرفی و عقلایی.

ایشان دربارهٔ سه قسم اول می‌گوید:

«این سه قسم هرگز دستخوش تحرك و تحول و تغییر و تبدل نمی‌شوند و ثابت و محکم و لازم و پایبرجا هستند و به همان حکم نخستین خود باقی و ماندگار و مستدام خواهند بود. این سه نوع از احکام، ماهیت اسلام و حقیقت دین را تشکیل می‌دهند و حدیث شریف: «حلال محمد حلال الی یوم القیامة» ناظر به این احکام است.»^{۷۲}

در مورد قسم چهارم می‌گوید:

«هرگز شارع مقدس دربارهٔ آنها احکام مولوی ندارد و هرگاه در این زمینه احکامی از طرف شارع آمده باشند و دستوراتی صادر شده باشد، ارشادی هستند که ما را به حکم عقل راهنمایی می‌کند.»^{۷۳}

«به هر حال فقه مانند خود اسلام جاودانه است و باید مشتمل بر عناصری گردد که جاودانگی آن را بیمه کنند عناصری از ادله عقلی و بنیاد عقلایی.»^{۷۴}

ایشان در تکمیل این تئوری و برای موجه دانستن عرفها و سپرده‌های جدید از مبنای امام خمینی (ره) در بحث اجتهاد و تقلید استفاده می‌کنند. معظم له معتقد است چون امامان معصوم (ع) احاطه علمی بر گذشته و حال و آینده داشتند و از رجوع جاهل به عالم منع نکردند، بنابراین سیره عقلا دلیلی قوی بر جواز تقلید است.»^{۷۵}

۷۰. کنگره شیخ اعظم انصاری، مقاله بحثی دربارهٔ انسداد، پاییز ۱۳۷۳؛ مجله نقدونظر، ش ۱، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۶۷-۱۹۵.

۷۱. مجله نقدونظر، ش ۱، ص ۱۸۶.

۷۲. همان، ص ۱۹۰.

۷۳. همان.

۷۴. همان، ص ۱۹۲.

۷۵. الرسائل، ج ۲، ص ۱۳۰.

بیان کرد؛ برای نمونه: روایات مربوط به شطرنج را برخی مانند امام تفسیر می‌کنند که غرض از تحریم در این احادیث بیان یکی از مصادیق آلات قمار است. بر این اساس هرگاه شطرنج از مصداقیت قمار خارج شد، بازی با آن بدون برد و باخت حرمتی ندارد. اما گروهی دیگر تحریم را در این احادیث به شطرنج برمی‌گردانند نه به عنوان مصداقی از برد و باخت و قمار. در این صورت شطرنج در همهٔ زمانها حرام است، گرچه وسیله ورزش باشد.

معیار درستی این دو برداشت چیست؟ و اگر تعمیم را روابدانیم تا کجا می‌شود پیش رفت؟ آیا همین سخن را در آلات موسیقی هم می‌توان گفت؟ در ابزار اجرای قصاص و حدود چطور؟

گاه فقهی در یک مورد برداشت اول را دارد و در مورد دیگر برداشت دوم را؟ کدامیک به واقع نزدیک است؟ آیا باید هر مورد را، جدا بررسی کرد و نمی‌توان به قاعده‌ای کلی دست یافت؟ اینها همه نقاط ابهام است و در تاثیر گذاری زمان و مکان نیز نقش دارد. به هر حال هیچ یک از عناصر سه گانهٔ تئوری امام (ره) تفسیر و تحلیل روشنی پیدا نکرده است.

۱۰- تئوری انسداد

مسأله انسداد در علم اصول از زمان صاحب معالم به بعد به صورت مختصر در علم اصول راه یافت. میرزای قمی آن را پروراند و مبنای اجتهاد قرارداد. پس از آن شیخ انصاری در رد و نقد آن به گونه‌ای عمیق و گسترده، اقدام کرد و امروزه مسأله انسداد در علم اصول جایگاهی ندارد. این مسأله مجدداً توسط دکتر علیرضا فیض مطرح شده که البته زاویه نگاه ایشان با گذشتگان بسیار متفاوت است.^{۷۰}

ایشان بر این باورند که سنت گسترده‌ترین منبع فقهی است. سنت به واسطه اخبار آحاد برای ما گزارش شده‌اند، ولی در طول زمان از دستبردهای جعل و دس مصون نماند، بلکه احادیث جعلی چند برابر روایات واقعی است. گذشته از آن، دلالت اینها ظنی است و دلیل علمی از کتاب، سنت و اجماع بر حجیت خبر واحد ظنی در دست نیست. بنابراین با توجه به نیازهای نامحدود انسان و محدودیت منابع علمی، باید گفت هرچه ظن آور باشد خواه عقلی و خواه نقلی معتبر خواهد. وی در این زمینه گفته است:

شریعت، جواز اجتهاد و توجه شریعت به تحولات.

۱- جاودانگی

جاودانگی شریعت اسلامی از امور مسلم در میان همه فرق اسلامی است. آیات و احادیث به صراحت و اشارت بر این مطلب دلالت دارد. آیاتی از قبیل: «لایاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه»^{۷۸}، «انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون»^{۷۹}

و روایاتی از قبیل: «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه»^{۸۰}، «ولکن القرآن یجری اوله علی آخره مادامت السموات و الارض»^{۸۱} «فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم عض الی یوم القیامه»^{۸۲} و «شریعة محمد لاتسوخ الی یوم القیامه»^{۸۳}.

«ثم ان هذا الاسلام... لا انقطاع لمدته»^{۸۴} بر جاودانگی شریعت تأکید دارد.

به جز اینها روایاتی نیز بر ثبات برخی قوانین و احکام دلالت دارد.

با اینکه اصل مسأله جای تردید ندارد، اما این سؤال مطرح است که چه چیزهایی جاودانه است؟ همه آنچه در منابع دینی آمده یا همه آنچه در قرآن بیان شده است؟ و یا ...

این نقطه ای حساس در مبحث جاودانگی است. اگر محدودسازی را تجویز کنیم و آن را مختص عرف زمان خاص بدانیم، تضمین برای تسری دادن به سایر قوانین نیست و از سوی دیگر انکار این امر به تناقضاتی در منابع دینی و مشکلاتی در واقعیات زندگی می انجامد.

زیرا نسخ آیات قرآن با قرآن و یا سنت پیامبران (ص) که مورد قبول همگان است، خود به معنای محدودیت زمانی پاره ای از احکام و قوانین است. به جز آن اموری در قرآن کریم وجود دارد که گرچه منسوخ نشده، اما کمتر کسی از آن به عنوان یک سنت دائم دینی دفاع می کند؛ مانند آنچه درباره داری در قرآن ذکر شده است.

۷۶. مجله نقد و نظر، ش ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵.

۷۷. به عنوان نمونه رجوع شود به: شبلی عیسی، العلمانیة والدولة الدینیة، ص ۱۱۶-۱۱۷ و ص ۱۱۳۸ احمد زکی قضاچه، الاسلام والحکم، ص ۲۲۸-۳۰۲. جعفر سبحانی، الالهیات، ج ۳، ص ۵۱۹-۵۲۹.

۷۸. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۷۹. سوره نمل، آیه ۹.

۸۰. الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۵، ب ۱۲، ح ۲.

۸۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰.

۸۲. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۵، ح ۸.

۸۳. حیون الاخیار الرضا، ج ۲، ص ۷۹، ب ۳۲، حدیث ۱۳.

۸۴. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۸۹، فراز ۱۲.

دکتر فیض در این زمینه گفته است:

«حالا ما این مسأله را تعمیم می دهیم و می گوئیم: روی همه عرفها و بناهای عقلایی می توان این توجیه را داشت. یعنی می گوئیم: این عرفها و سنت های عقلایی که اینک در جامعه ما و همه عقلا متداول است، از انواع بیع و شری و اجاره و رهن و صلح و غیره اگر موجب رضایت معصوم نبودند، باید در همان زمان که امام وجود یا حضور داشت این عرفهای مربوط به این زمانها را مورد ردع و منع قرار می دادند، و جلویش را می گرفتند ولی چون منع نکرده اند و جلویش را نگرفته اند ما دستمان باز است و هر کدام را طبق عرف رایج انجام دهیم، کار خلافی مرتکب نشده ایم»^{۷۶}.

۴

به جز اینها تئوریهای دیگری نیز عرضه شده که به جهت منسجم نبودن یا تداخل با سایر تئوریهای آن صرف نظر شد.^{۷۷} آنچه در پایان این گفتار بر آئیم به قلم آوریم ترمیم حوزه های مطالعه و پژوهش در مسأله «هماهنگی فقه و زمان» است. برخی مطالب که در این جا یاد می شود، اگر چه اصل آن مسلم است، اما چون دارای نقاط ابهام است و روشن شدن آن به این مبحث کمک می کند، لذا بایسته بود از آن نیز یاد شود.

به نظر می رسد که چهار حوزه مطالعاتی مختلف اما مرتبط و مکمل وجود دارد:

- یک. مبانی.
- دو. مکانیسم.
- سه. توصیه ها.
- چهار. شبهات.

در اینجا به شرح کوتاهی از هر یک با ذکر برخی نمونه ها اکتفا می شود.

یک. مبانی

در این قسمت از مسایل سخن می رود که اصل آن مسلم است، ولی در فروع و شاخه های آن اختلاف و ابهام وجود دارد. از سوی دیگر با فرض پذیرش آنها میزان گفتگو از هماهنگی فقه و زمان باز است.

این مسائل عبارتند از: جاودانگی شریعت، جامعیت

ریک من مثقال ذرة... الا فی کتاب مبین. ۹۱ و آیات دیگر... ۹۲
روایات از قبیل آنچه دلالت دارد در قرآن همه چیز آمده است مانند:
«انزل علیه القرآن فیه تبیان کل شیء بین فیه الحلال والحرام
والحدود والاحکام و جمیع مایحتاج الیه الناس کمالاً و قال
عز وجل ما فرطنا فی الکتاب من شیء». ۹۳
و آنچه دلالت دارد که پیامبر (ص) و ائمه (ع) همه چیز را
می دانند مانند:

«عن الصادق (ع): قد ولد فی رسول الله وانا اعلم بکتاب الله
وفیه بدء الخلق و ما هو کائن الی یوم القیامة و فیه خیر السماء و خیر
الارض و خیر الجنة و خیر النار و خیر ماکان و خیر ما هو کائن اعلم
ذلک کانما انظر الی کفی». ۹۴

روایاتی که دلالت دارد کتاب جامع نزد ماست و در آن همه چیز
بیان شده است؛ مانند:

«صحیفة فیها کل حلال و حرام و کل شیء یحتاج الیه الناس
حتی الارش فی الخدش». ۹۵

و روایت حجة الوداع:
«ما من شیء یقر بکم من الجنة و یباعدکم من النار الا وقد
امرکم به...» ۹۶

و روایات دیگر. ۹۷

- ۸۵. سورة انعام، آیه ۳۸.
- ۸۶. سورة نمل، آیه ۸۹.
- ۸۷. سورة انعام، آیه ۵۹.
- ۸۸. سورة مائدة، آیه ۳.
- ۸۹. سورة شوری، آیه ۱۳.
- ۹۰. سورة نمل، آیه ۷۵.
- ۹۱. سورة سبا، آیه ۳ و سورة یونس، آیه ۶۱.
- ۹۲. در این زمینه رجوع شود به: قرآن در آینه اندیشه ها، ص ۷۹-۸۴ مقاله
جامعیت تعلیم قرآن.
- ۹۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۳ و نیز رجوع شود به این احادیث:
بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۸۱-۸۵، ح ۹، ۱۱، ۱۹، ۲۱، ۱۷، ۳۳، ۳۴،
۳۵، ۴۴، ۵۰، ۶۳، ۷۱، ۷۶، ۷۷.
- وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۷، ح ۱.
- الکافی، ج ۱، ص ۵۱-۶۲، و ص ۱۸۶، ح ۱ و ص ۱۵۴، ح ۱.
- المیزان، ج ۷، ص ۱۰۶.
- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبة ۸۵، فراز ۴، حکمت ۳۰۵.
- ۹۴. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۹۸.
- ۹۵. الکافی، ج ۱، ص ۲۳۸، حدیث ۴۲ و مسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۷۱،
حدیث ۱.
- ۹۶. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۷، ح ۳.
- ۹۷. رجوع شود به: الکافی، ج ۱، ص ۲۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۸۵،
حدیث ۱۹ و ۲۱؛ المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۷-۳۲۸. و ر. ک: کتاب
الغیبة، ص ۱۶۸-۱۶۹.

حاصل آنکه گرچه اصل جاودانگی مسلم است، اما مسائلی
نیز وجود دارد که حاجت به تحقیق و پژوهش دارد و در مبحث
«هما هنگی فقه و زمان» تأثیری زیربنایی دارد.

۲- جامعیت شریعت

جامعیت و شمول شریعت و به تعبیر دیگر قلمرو فقه و به
عبارت سوم قلمرو دین از مبانی این مسأله است. این مبحث
امروز از دو سو مورد تأمل و پژوهش است. یکی منظر برون
دینی که از آن به انتظار از دین تعبیر می شود و دیگری منظر
درون دینی است که به مسأله قلمرو فقه و جامعیت شریعت
موسوم است. در اینجا منظر و دیدگاه دوم مراد است. تبیین
جامعیت کمک شایانی به موضوع مورد بحث می کند.

در اینجا نیز گرچه اصل آن مورد تسامح است، اما در
حد و مرز آن و حدود و کمی و کیفی آن اختلاف بسیار است.

نخست باید تحریری دقیق از جامعیت صورت گیرد و
محمولات آن روشن گردد و سپس آیات و روایاتی که مستقیم و
غیر مستقیم بر آن دلالت دارد. به صورت مجموعی مورد مطالعه
و تأمل قرار گیرد. مع الاسف کاری گسترده و دقیق با توجه به
همه آنچه در نصوص دینی آمده صورت نیافته است. به گمان ما
در تحریر محل نزاع این محتملات باید مورد تأمل قرار گیرد:

- جامعیت به معنای پرداختن به مسائل عقیدتی، اخلاقی و عملی.
- جامعیت به معنای پرداختن به مسائل مادی و معنوی.
- جامعیت به معنای پرداختن به مسائل فردی و جمعی.
- جامعیت به معنای بیان احکام و برنامه ها و شیوه های اجرا.
- جامعیت به معنای گستردگی منابع دینی که به همه چیز نظر
افکننده است.
- جامعیت به معنای آنچه دین بر خود فرض کرده که بدان پردازد.
- جامعیت به معنای آنچه عقل بر دین فرض کرد.
- جامعیت به معنای بیان احکام عبادی و ارزشها.
- و از جهت تمسک به منابع دینی باید در این مجموعه ادله نظر
افکننده شود.

آیات قرآن از قبیل:

«ما فرطنا فی الکتاب من شیء». ۸۵ «تبیاناً لکل شیء...» ۸۶
«لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین...» ۸۷ «الیوم اکملت لکم
دینکم...» ۸۸ «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً...» ۸۹ «ما من
غائبه فی السماء و الارض الا فی کتاب مبین...» ۹۰ «وما یعزب عن

مغایرتی ندارد. به عبارات دیگر، منظور کردن پدیده‌های نوظهور و سیعی و تلاش در سازگاری با آنها امری مذموم و ناپسند نیست.

در اینجا به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌شود:

- نسخ شرایع و نسخ قوانین و احکام در یک شریعت.
- تقنین تدریجی که به صورتی بارز و آشکار در قرآن کریم نمود دارد.
- تجویز تقیه که در سخن پیشوایان معصوم (ع) بر آن تاکید شده است.
- تغییر احکام زمان غیبت و حضور امام زمان (ع)؛ که در احادیث متعدد از آن یاد شده است.
- تأثیر زمان و مکان در ارزش اعمال و کردار.
- تضییق و توسعه در موضوعات احکام بر اثر اختلاف شرایط زندگی.
- اینها مبانی و مسلمات مسأله بود که از یک سواصل آن مسلم و از سوی دیگر، به تأمل و درنگ نیاز داشت.

دو. مکانیسم هماهنگی فقه و زمان

شریعت اسلامی دارای مکانیسمی درونی است که هماهنگی آن را با تحولات زندگی تضمین می‌کند. این مطلب مورد باور تمام کسانی است که در صدد ارائه تئوری بوده‌اند. تئوریهای یادشده پیشین در جهت تبیین این مکانیسم بوده‌اند. اختلاف تئوریها از آنجا نشئت گرفته که این مکانیسم به صورت صریح در شریعت بیان نگشته و امری انتزاعی و اکتشافی است، که هر عالمی به گونه‌ای آن را فهم کرده است. نکته قابل توجه این است که در تئوریهای گذشته مسأله مکانیسم با توصیه‌هایی که به فقیه و مجتهد باید داشت خلط شده است. مکانیسم آن است که در درون شریعت نهفته است و فقیه باید به توصیه‌هایی عمل کند تا بتواند آن مکانیسم را به کار گیرد. شاید بتوان تعبیر کرد که تفاوت مکانیسم با توصیه‌ها، تفاوت مقام ثبوت و اثبات است یا به تعبیر دیگر تفاوت طرح و برنامه.

۹۸. المیزان، ج ۶، ص ۲۵۷.

۹۹. ملا صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۵ و ص ۳۶۱ و ۳۶۶.

۱۰۰. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۴۶.

۱۰۱. تاریخ حصر الاجتهاد، ص ۱۰۱-۱۰۸.

۱۰۲. جهت دستیابی به منابع شیعی رجوع شود به آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۷۵-۶۶. طرح پژوهشی اجتهاد و مرجعیت. و جهت آگاهی از کتب اهل سنت رجوع شود به: تاریخ حصر الاجتهاد، ص ۸۵-۸۹.

همچنین سخن مفسران و شارحان احادیث را نیز باید ملاحظه کرد. به عنوان مثل، علامه طباطبایی معتقد است:

«اسلام دینی است که به تمام ابعاد زندگی نظر داشته و هیچ امری را فروگذار نکرده است. آسان و دشوار و ریز و درشت...»^{۹۸}

و علامه شعرانی در شرح احادیث کافی می‌گوید:
«مراد از احادیث؛ که هرچه نیاز دارید در قرآن آمده؛ این است که آنچه از مسائل دینی و فروع احکام نیاز دارید و این روایات به دانشهای هستی‌شناسی نظر ندارد.»^{۹۹}
مشابه همین سخن را استاد مصباح یزدی در تعلیقه‌های بحار الانوار دارند.^{۱۰۰}
خلاصه جامعیت شریعت دومین حوزه مطالعه و پژوهش در مسأله «هماهنگی فقه و زمان» است.

۳- اجتهاد.

تأمل و تعقل در فهم نصوص دینی و استخراج فروع از قواعد و اصول کلی و کشف اغراض شارع با شیوه‌های رایج و متعارف نزد عقلا امری است که از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود. این حقیقت کاری مشروع نزد قاطبه فقیهان شیعی بوده است. عالمان اهل سنت نیز از آغاز تا قرن هفتم^{۱۰۱} آن را جایز می‌شمردند. افراط‌گرایی در این رویه سبب تحدید اجتهاد در میان آنان شد. این تحدید که نشئت گرفته از افراط دوره‌های نخست تاریخ فقاہت آنان بود، در این سده‌های اخیر تعدیل شد و مجدداً با ضوابطی به اجتهاد رو کردند.

در این زمینه عالمان شیعه و سنی بسیار سخن گفته‌اند.^{۱۰۲} تجویز اجتهاد یکی از مبانی است و اصل آن در هیچ دوره‌ای مذموم نبوده است، اما مباحث قابل پژوهش در آن کم نیست، مانند:

- بررسی علل اختلاف در اجتهاد و استنباط.
- عوامل روانی و اجتماعی موثر در اجتهاد.
- معرفت‌شناسی اجتهاد.

۴- توجه به شریعت به تحولات زندگی

مراد از این عنوان یادآوری نکاتی است که نشان می‌دهد قانونگذار دینی به تحولات زندگی آدمی توجه کرده است. این نکات تعلیم می‌دهد که در نظر گرفتن شرایط زمانی و تحولات ناشی از آن امری بیگانه از دین نیست و با جوهر ثابت دین

تصمیم گیرنده حاکم و مشورت کردن از وظایف اوست، ولی در آیه نخست همه موظفند در امری که مربوط به آنان است شور کنند.

به هر حال، حاکم و مردم در عرض یکدیگر هر کدام در قلمرو اختیارات خویش می توانند منطقه الفراغ را پراسازند و در این باب عرف و عاداتهای حسنه و درست در اولویت قرار دارد، بلکه گاه متعین می شود. در پایان باید گفت این مسأله تحقیق جدی و گسترده را می طلبد.

۲- اختیارات حکومت

یکی دیگر از اهرمها در مکانیسم هماهنگی، اختیارات حاکم است. مساوی دانستن این مطلب با بحث منطقه الفراغ لغزش و اشتباه است؛ زیرا نه دایره اختیارات حکومت به پر کردن منطقه الفراغ منحصر است و نه منطقه الفراغ تنها با اختیارات حاکم پرمی شود. به اصطلاح منطقیان نسبت میان آنها عموم و خصوص من وجه است: بخشی از اختیارات حکومت، پر کردن بخشی از منطقه الفراغ است. بخشی دیگر از آن، اعمال احکام ثانویه است. بخش دیگر رفع تراجم در اجرای قوانین است. و به تعبیر دیگر تشخیص و ترجیح اهم. و ...

۳- احکام ثانویه

احکام ثانویه یا قواعد کنترل کننده یکی از مکانیسمهای هماهنگی است. در صورتی که اجرای احکام اولی با ضرر، یا حرج و یا ... مواجه شود، به کارگیری این قواعد این بن بست را مرتفع می سازد. قواعدی چون، لاضرر، لاجرح، و ... از این قبیل هستند.

در این موضوع نیز برخی نقطه های تاریک وجود دارد که به تحقیق و تامل عالمان و فقیهان نیازمند است.

۴- تعلیل در تقنین

شارع مقدس بجز عبادات، بسیاری از احکام خود را معلل کرده است. فقیهان برخی از آنها را علت و ملاک حکم دانسته و بر اساس آن به توسعه و تضییق موضوع پرداخته اند، و برخی دیگر را فایده و حکمت تلقی کرده اند. بعید است قانونگذار حکیم در غیر عبادات راه فهم ملاک و علت را مسدود کرده باشد

در این نوشتار این دو حوزه از هم جدا شده و برای هر یک محورهای قابل پژوهش و تحقیق یاد می شود. در بحث مکانیسم از این محورها می توان نام برد:

۱- منطقه الفراغ

«منطقة الفراغ» یا «منطقة العفو» گرچه واژه ای نو و تازه است، اما بسیاری از مطالب که در کلام فقیهان گذشته و حال مطرح است به آن برمی گردد و هر یک گوشه ای از آن را بیان می دارد. شهید مطهری می گوید:

«اسلام هرگز به شکل و صورت و ظاهر زندگی پرداخته است. تعلیمات اسلامی همه متوجه روح و معنا و راهی است که بشر را به آن هدفها و معانی می رساند. اسلام هدفها و معانی و ارائه طریقه رسیدن به آن هدفها و معانی را در قلمرو خود گرفته و بشر را در غیر آن آزاد گذاشته و به این وسیله از هرگونه تصادمی با توسعه تمدن فرهنگ پرهیز کرده است.»^{۱۰۴}

دایره مباهات و حوزه اباحه یکی دیگر از موارد منطقه الفراغ است. امور امضایی شرعی، به این معنا که قصه شریعت ابقای دایمی آن نبوده، نیز یکی دیگر از بخشهای منطقه الفراغ است.

شیوه پر کردن «منطقة الفراغ» نیز مورد گفتگوست. آیا تنها حکومت مجاز است آن را پر کند یا حکومت و مردم در عرض یکدیگر چنین توانی را دارند؟ مراد از مردم عرف عمومی جامعه است؟ یا اینکه تصمیم های عمومی نیز هر چند به حد عرف و عادت هم نرسیده باشد، می تواند پرکننده منطقه الفراغ باشد؟ اینها همه احتمالاتی است که قابل بحث و بررسی است.

شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» آن را به حاکم واگذار کرده است^{۱۰۴} و در کتاب «الاسلام یقود الحیاة» آن را یکی از وظایف امت می دانسد.^{۱۰۵} برخی دیگر عرف جامعه را پرکننده منطقه الفراغ می دانند.^{۱۰۶}

به نظر می رسد پر کردن منطقه الفراغ نه منحصرأدر اختیار حاکم است و نه در انحصار امت؛ بلکه هر دو در پر کردن آن سهمی دارند. ادله ای که اختیارات حاکم را بیان کرده مجوز این حق برای حاکم است و آیه مبارکه «وامرهم شوری بینهم»^{۱۰۷} این حق را به مردم اعطا کرده است. این آیه برخلاف آیه «وشاورهم فی الامر»^{۱۰۸} که خطاب به پیامبر به عنوان حاکم است، فرد خاصی را موظف به شور نکرده، بلکه امت و مردم در آنچه به آنها برمی گردد مشورت می کنند و تصمیم می گیرند. در آیه دوم

۱۰۳. ختم نبوت، ص ۷۸.

۱۰۴. اقتصادنا، ص ۷۲۱.

۱۰۵. الاسلام یقود الحیاة، ص ۱۹.

۱۰۶. محمد مهدی شمس الدین، مسائل حرجة فی فقه المرأة-الستر والنظر، ص ۴۳.

۱۰۷. سوره شوری، آیه ۳۸.

۱۰۸. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

جدای از سایر کلمات و سخنان او تفسیر کرد. نمی توان دستوری از یک قانون را جدا از سایر قوانین به کار بست، نمی توان سخنی یا دستوری از یک مکتب و شریعت آسمانی را جدای از سایر کلمات آن مکتب تفسیر کرد. این یک اصل عقلایی است و نزد همه خردمندان معمول و دایر است. عالمان و فقیهان گرچه از مخصص و مقید پیوسته و ناپیوسته، لفظی و غیر لفظی جستجو می کنند و تا آنجا فحص می کنند که یقین به عدم پیدا شود، اما نوعی نص دیگر هم لازم است که نسبت به آن قصور روا داشته می شود. منظور از فحص این است که برای تفسیر یک سخن دینی باید مجموعه شریعت را در نظر داشت و فراتر از مخصص و مقید مصطلح به جستجو پرداخت؛ برای نمونه اگر آیه «الرجال قوامون علی النساء»^{۱۱۱} بر سرپرستی مردان دلالت دارد، فقیه نمی تواند این سرپرستی را جدا از این اصول مسلم دینی تفسیر کند که:

- اصل معاشرت به معروف که قرآن کریم در ۱۹ مورد بدان تاکید کرده است.

- اصل عدالت که عقل و شرع بر آن تاکید می کنند.

- اصل لاطاعة لمن عصى الله.^{۱۱۲}

- اصل احترام به والدین و حقوق آنها.

- اصل صلح و احترام خویشاوندی.

- اصل اهلیت و صلاحیت در مدیریت،

مگر می توان آن آیه را - به صرف نظر از برخی تفسیرها - بدون این اصول معنا کرد و از آن استخراج قانون کرد.

در کلمات صاحب جواهر تعبیر اصول و قواعد مذهب بسیار به چشم می خورد و بر اساس آن مطلبی را تایید یا رد می کند. به گمان ما این همان توجه به مجموع شریعت داشتن است.

در سیره فقهی دیگر فقیهان این امر کمتر به چشم می خورد و همان بزرگ نیز به اجمال آن می گذرد و معیار و مقیاسی در این زمینه به دست نمی دهد. این مطلب باید به عنوان یک مسأله اصولی مورد توجه واقع شود و پژوهشهای تئوریک پیرامون آن صورت پذیرد.

استاد محمدرضا حکیمی «تفقه در دین» را چنین شرح می دهد.

«فهم اجتهادی مجموعی دین و استنباط نظامسدار (سیستماتیک) احکام، در یک پیوستگی تام، (پیوستگی همه

۱۰۹. سوره حجرات، آیه ۶.

۱۱۰. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

۱۱۱. سوره نساء، آیه ۳۴.

۱۱۲. معجم الفاظ الحدیث النبوی، ج ۴، ص ۴۳.

و انسانی را از آگاهی از علل برای همیشه ناتوان دیده باشد. این مکانیسم نیز نوعی انعطاف را با خود به همراه دارد که می تواند شرایط مختلف را در خود هضم کند. بحثهای تئوری در باب ملاکات در اصول فقه جای خالی دارد. گرچه فقیهان در فقه بسیار از آن سود جسته و برای بسیاری از احکام علت و فلسفه ذکر می کنند و در استدلال بدان توجه دارند و از بسیاری از ادله علیت و ملاک حکم را استفاده کرده اند، اما به بحثهای تئوری و نظری کمتر وارد شده اند. عدم بررسی مباحث نظری سبب اختلاف بسیار در فتوا و اجتهاد می شود و تا حد بسیاری به سلیقه ها مربوط می شود.

بایسته است که مباحث تئوری و نظری ملاکات احکام به دقت و جدیت، مورد توجه قرار گیرد و به حل عقده ها و مشکلات منجر گردد. گاهی دو آیه یا حدیث مشابه یکدیگر از نظر سبک و سیاق را می بینیم که یکی را بر تعلیل و دیگری را بر حکمت حمل کرده اند. تعلیل در آیه نیا^{۱۱۳} با تعلیل در آیه شهادت زن^{۱۱۴} یک سیاق دارد، اما به تعلیل در آیه اول ملتزمند، ولی در آیه دوم چنین مطلبی را نمی پذیرند؛ و موارد بسیار دیگر. این چهار اصل اساسی مکانیسم هماهنگی است و سایر اموری که در سخنان و نوشته ها مطرح می شود، یا به مبانی مسأله بر می گردد و یا توصیه هایی در مقام استکشاف مراد و مقصود شریعت است که در قسمت بعد بدان اشاره می کنیم.

تحقیق پیرامون این چهار اصل و تعیین دقیق قلمرو آنها از جهت تئوری و به صورت کاربردی، یعنی نشان دادن آن در منابع و مسائل فقهی امری ضروری و بایسته است.

سه. توصیه ها

در اینجا از اموری سخن می رود که از یک سو در فهم درست مکانیسم مؤثر است و از سوی دیگر به تطبیق شریعت بر زندگی کمک می کند. نمونه هایی که ذکر می شود گرچه مثلثهای فراوان در فقه دارد و یادکرد این مثلها در تبیین مقصود بسیار مؤثر است، اما به اختصار از آن می گذریم و تنها برخی نمونه ها را یاد می کنیم:

۱- نظر به مجموع شریعت داشتن

همچنان که نمی توان یک جمله از یک سخنرانی پیوسته را جدا گانه به تفسیر نشست و نمی توان سخن از حکیمی فرزانه را

مضمون الهی می یابند، و در تحول بنیادین جامعه، و ساختن فرد صالح، و تشکیل نظام عادل اعجاز می کنند... ۱۱۶

۳- اجتهاد در فهم نصوص

در لابلای مباحث پیشین بدین مطلب تأکید شد که جمود بر الفاظ و واژگان چهره ای ناهمگون و زشت از شریعت ارائه می کند. امام خمینی (ره) به برخی فرمود: «این گونه فهم کردن نصوص به معنای کنار گذاردن تمدن جدید است. شریعت اسلامی به زبان محاوره و بر اساس فرهنگ خاص به دست ما رسیده است. فرهنگی که مردمان عرب زبان با آن زندگی می کنند. نباید در فهم نصوص از این فرهنگ کناره گرفت. و برخی جمودها از این قبیل به خرج داد:

«مشهور فقها نزع زنان را برای تطهیر آب چاه کافی نمی دانند، چون واژه قوم شامل زنان نمی شود.» ۱۱۷
 «استحباب حکم اذان و اقامه برای زنان را به تبع حکم مردان استفاده شده است» ۱۱۸
 «خطاب «انما جزاء الذین یحاربون» شامل زنان نیست و فقط مردن را شامل می شود.» ۱۱۹

بلکه باید نظر محقق بحرانی را تصدیق کرد که:

«آنچه در اخبار و احادیث آمده، بر سبیل تمثیل است و حکم به افراط دیگر نیز با تنقیح مناط قطعی سرایت می کند.» ۱۲۰
 استاد محمد جواد مغنیه معتقد است، فرق است میان اجتهاد در برابر نص و اجتهاد در فهم نص. دومی را در نصوص غیر قطعی الدلالة جایز و لازم می داند، و گاه هشدار می دهد که:
 «جمود بر واژه خاص در چنین مواردی سبب بدنام کردن دین و شریعت است.» ۱۲۱

ایشان بر اساس همین قاعده به تعمیم در موارد احتکار، ۱۲۲ سبب و مایه، ۱۲۳ خیار حیوان، ۱۲۴ و آلات ذبح ۱۲۵ معتقد است.

۱۱۳. مجله آینه پژوهش، ش ۹، ص ۶۴-۶۵.

۱۱۴. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۴.

۱۱۵. مجله نقد و نظر، شماره نخست، مقاله احکام دین و اهداف دین، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۱۱۶. همان، ص ۱۲۱.

۱۱۷. مدارک الاحکام، ج ۱، ص ۶۸.

۱۱۸. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۱۶۴.

۱۱۹. السرائر، ج ۳، ص ۵۰۸.

۱۲۰. الحدائق الناضرة، ج ۱۰، ص ۵۳-۵۶.

۱۲۱. فقه الامام الصادق (ع)، ج ۳، ص ۱۴۵.

۱۲۲. همان، ص ۱۴۴.

۱۲۳. همان، ج ۴، ص ۲۳۵.

۱۲۴. همان، ج ۳، ص ۱۵۸.

۱۲۵. همان، ج ۴، ص ۳۵۳.

اجزای دین به هم)، به منظور تحقق بخشی به هدف دین، با شناخت درست آن هدف ...

فقه اصطلاحی، تفقه در دین نیست، در بخشی از دین است، آن هم به صورتی گسسته از دیگر بخشها، ولی توجه به هدف، اصلی دین در ساختن فرد و جامعه، یعنی تربیت و سیاست، و ابعاد گسترده این دو موضوع مهم و اصلی. و روشن است که تفقه در یک بخش از تعالیم دین و درک اجتهادی آن، در حقیقت، تفقه نیست، چون از دیگر بخشها گسسته است، و از میزان و مقدار دخالت و تاثیر آن بخشها در این استنباطها بی بهره است و به تعبیر اصطلاحی، «استفراغ وسع»- به معنای واقعی و جامع آن- نیست، زیرا که همه ابواب و مسائل و اهداف دین با هم در نظر گرفته نشده است. ۱۱۳

۲- توجه مقاصد و اهداف شریعت

شریعت اسلامی در کلیت خود اهداف و مقاصدی را دنبال می کند که فروع و مسائل عیدیه در راستای تحقق آن تشریح شده است. دین شناس و فقیه اولاً باید آنها را شناخته و از منابع استخراج کند و در مرحله بعد به هنگام اجتهاد و استنباط آن را در نظر داشته باشد.

شهید مطهری می گوید:

«اصل عدالت از مقیاسهای اسلام است که باید دید چه چیز بر او منطبق می شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است، دین می گوید. این معنای مقیاس بودن عدالت است، برای دین» ۱۱۴

استاد محمدرضا حکیمی در این زمینه گوید:

«... بنابراین، بحث درباره اجتهاد، با نظر به «اهداف دین»، حیاتی ترین بحث است در این مقوله. و بحث درباره اجتهاد با نظریه «احکام دین» نیز پس از این بحث باید آغاز گردد... اهداف دین، غایات دین است، و احکام دین مقدمات رسیدن به آن غایات. پس باید همواره مقدمات، دارای آن کیفیتی باشند که به اهداف منتهی گردند نه جز آن...» ۱۱۵

«و خدا خود می داند، و عقل گواهی می دهد، و نقل تصریح می کند، و تجربه به لمس می رساند که توجه به «احکام دین» بدون توجه به «اهداف دین» توجه به «احکام» نیز نیست، که «احکام» در حال توجه به «اهداف»، درست استنباط می شوند و

زمان و دوره باید شرایط آن روزگار را ملاحظه کرد و اما اگر احتمال دوم را پذیرفتیم، تفاوت چندانی با امور تاسیسی نخواهد داشت.

این مسأله با سیره و افعال پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز ارتباط دارد، زیرا نسبت به کردار و رفتار آنان این پرسش مطرح است که همه آنچه را در زندگی شخص عادی و حتی اجتماعی انجام داده‌اند، جزء وحی و شریعت است و برای همه دورانها قبیح، یا اینکه از سنخ «انما انا بشر مثلكم» است.^{۱۲۷}

خلاصه سخن آنکه پژوهش در ابعاد این مسأله و یافتن معیارهای تفکیک امور امضایی و تاسیسی می‌تواند برای دستیابی به بخشی از «منطقه الفراغ» مؤثر و سودمند باشد.

۵- احادیث ولایی و تبلیغی

می‌دانیم که پیامبر (ص) و ائمه (ع) علاوه بر آنکه مبلغ احکام الهی بوده‌اند، اجرای احکام الله و زعامت و حکومت بر جامعه نیز بر عهده آنان بوده است. از همین رو سنت آنان به دو بخش تقسیم می‌گردد، آنچه مبین حکم الله است و آنچه به عنوان حاکم و ولی امر گفته یا انجام داده‌اند.

تفاوت گذاردن میان آنها، و یافتن ملاک جداسازی آن دو، می‌تواند در شناخت «منطقه الفراغ» و «اختیارات حکومت» مفید افتد. در جای دیگر قدری در این باره سخن گفته ایم.^{۱۲۸}

۶- قضایای شخصیه و کلیه

طبیعت قضایای شرعی، به جهت آنکه برای همه انسانها، در هر زمان و مکان، تشریح شده، کلیت است و به تعبیر منطقی در شکل قضایای حقیقه صادر گشته است. اما گاه به روایات و احادیثی برمی‌خوریم که فقیهان آنها را بر قضیه شخصیه حمل کرده‌اند و به تعبیر فقیه بزرگ صاحب جواهر «قضیه فی واقعه» است. این تعبیر در «جواهر الکلام» نزدیک به پنجاه بار - بویژه در مسائل قضایی - تکرار شده است. شناخت این دسته از سنت راهی دیگر به سوی شناخت «منطقه الفراغ» در شریعت یا حوزه اختیارات حاکم است. تفحص و تأمل در حقیقت این دو سنخ از قضایای شرعی و به دست دادن معیارهای آن دو در مقام اثبات امری ضروری و لازم است.

۷- اوامر ارشادی و مولوی

مسأله اوامر ارشادی و مولوی در فقه کم و بیش به کار می‌رود و گاه مسائلی به عنوان ارشاد به حکم عقل یا ارشاد به

صاحب جواهر در مسأله نماز زندگی در مکان غصبی از برخی مشایخ خود نقل می‌کند که نماز گزار باید بدان حالت که وارد شده نماز را به جا آورد، اگر ابتدا نشسته داخل شده، نماز را نشسته و اگر ایستاده ایستاده به جا آورد. و گفته‌اند نباید مزه‌ها را پیش از نیاز حرکت دهد و ...

آنگاه فرموده است: «اعاذ الله الفقه من امثال هذه الخرافات». ^{۱۲۹} خداوند فقه را از این قبیل خرافه‌ها منزّه بدارد.

باری، این از مسائل بسیار مهم در فهم نصوص دینی است و باید بحثهای نظری بسیار قوی پیرامون آن انجام شود.

۴- امور امضایی و تاسیسی

آنچه در ضمن احادیث و حتی آیات قرآنی آمده است، به دو بخش تقسیم می‌شود: امور تاسیسی که شریعت اسلامی خود پایه گذار و بانی آن بوده است و دیگری امور امضایی. یعنی شریعت اسلامی آنچه را قبل از خود وجود داشته، امضا کرده است.

امور امضایی ممکن است از شرایع سابق باشد و ممکن است از آداب و رسوم جامعه آن روز یا از امور عقلایی که نزد تمام انسانها مقبول و پسندیده است.

در امور تاسیس که شارع خود بنیانگذار بوده، بر اساس آنچه تشریح شده، باید عمل شود. اگر معرفت بوده یا ابدی، بستگی به دلیل تشریح دارد. به همان نحو است امور امضایی مربوط به شریعتهای سابق.

اما امضای آداب و رسوم عرفی و حتی امور عقلایی، جای این سخن و تأمل را دارد. که شارع آن را به عنوان یک امر عرفی امضا کرده که اگر عرف آن روزگار عوض شد، دیگر طالب بقا و حفظ آن نیست. یا آن امر عرفی موضوعیت داشته، بدان معنا که شارع آنچه را عرف آن روزگار بوده برای همه روزگاران امضا کرده است. و یا راه سوئی است که برخی از امضایات از قبیل اول و برخی از دسته دوم است.

تحقیق این مسأله فوائد و آثار گرانبهای در فقاہت و استنباط دارد، ولی مع الاسف کاری اساسی در این زمینه سامان نیافته است.

اگر در امور امضایی احتمال اول را پذیرفتیم، نتیجه آن می‌شود، که آن امور در «منطقه الفراغ» داخل است و در هر

۱۲۶. جواهر الکلام، ج ۸، ص ۲۰۰.

۱۲۷. سوره کتف، آیه ۱۱۰ و سوره فصلت، آیه ۶.

۱۲۸. کتابشناسی اصول فقه شیعه، ص ۳۹-۵۰؛ آینه پژوهش، ش ۱۵، ص ۱۱-۱۴.

احادیث و روایات است. علامه جعفر مرتضی عاملی در این زمینه فرموده است:

«... بنابراین درك بسیاری از نصوص نیازمند آگاهی کامل از زمان، مکان و شرایطی است که در آن صادر شده است. محیط و عکس العمل آن را در مقابل نصوص صادره باید بشناسیم. شناخت این موارد ما را در فهم حدود قیود و درك اشارات و لطایف آن یاری می‌کند. در کتاب «السوق فی ظل الدولة الاسلامیه» نگاهی چنین داشتیم. نمونه‌های عمل در اتخاذ تدابیر لازم از طرف ولی امر و حاکم درباره بازار ذکر شده است و تلاش شده تا نشان داده شود که این تدابیر از نوع تطبیق احکام اولیه و ثانویه شرعیه چون قاعده لاضرر، لاجرح یا ضرورت و امثال آن نبوده است، بلکه اجرای تدابیر مستقل با ویژگی نصوص به خود برده است. این کتاب با حجم اندک خود می‌تواند نمایانگر میزان تاثیر شناخت واقعیات خارجی در شناخت طبیعت نصوص صادر شده و اهداف آن باشد و بخوبی می‌رساند که این شناخت فضای گسترده‌ای را برای فهم بهتر نصوص و استفاده کامل از آن فراهم می‌آورد.»^{۱۳۱}

۹- توجه به زمان و مکان

توجه و شناخت عصری که فقیه در آن زندگی می‌کند، هم برای فهم بهتر نصوص دینی مفید است و هم در تطبیق بهتر آن نقش دارد. آنکه می‌داند در چه عصری زندگی می‌کند، یعنی می‌داند چه ایده‌آلها و آرمانهای اجتماعی حاکم است، چه ارزشهای اخلاقی و اجتماعی به وجود آمده است، چه روابط سیاسی و اقتصادی بر جهان سیطره دارد، چه تحولاتی در علوم و دانشهای بشری رخ داده است، چه فلسفه و بینشهای فلسفی پدیدار گشته است و...، بهتر می‌تواند دین را بشناسد و اجرا کند چنین فردی بهتر می‌تواند به اجتهاد رو کند. این گونه آگاهیها در این موارد اثر می‌گذارد:

- انعقاد ظهور در نصوص دینی.
 - حل تعارض ادله و ترجیح یکی بر دیگری.
 - حکومتی دانستن برخی نصوص.
 - حمل بر تقیه کردن برخی روایتها.
 - حمل بر علت یا حکمت کردن تعلیلهها.
 - «قضیه فی واقعه» دانستن برخی از احادیث.
 - شناخت مسائل مستحدثه و دانستن هویت آنها و...
- استاد محمدرضا حکیمی در بیان اهمیت بیداری و آگاهی از

۱۲۹. المدخل الی عذب المنهل، ص ۲۲۵-۲۴۵.

۱۳۰. اصطلاحات الاصول، ص ۷۱-۷۳.

۱۳۱. آینه پژوهش، ش ۵، ص ۶۹.

عرف یا ارشاد به عقل تلقی می‌شود. شناخت امر ارشادی می‌تواند این ویژگی را داشته باشد که امری متغیر است؛ زیرا به عرف و عقلا ارجاع شده است. این مسأله قرابت نزدیک با مسأله تاسیسی و امضایی دارد، ولی غیر از آن است؛ زیرا دایره ارشاد بسی وسیعتر است و ارشاد به حکم عقل را نیز شامل می‌شود.

علامه شعرانی در کتاب گرانسنگ «المدخل الی عذب المنهل»^{۱۲۹} بحثی مختصر در این زمینه دارد در نمونه‌هایی بسیاری برای امر ارشادی از فقه مشال آورده است و یکی از نتایجی را که بر آن مترتب ساخته، این است که تعیین سن یا نسبی امری ارشادی است و نظر به غلبه خارجی دارد.

به تحقیق می‌توان گفت این بزرگ، بیشترین بحث را در این زمینه آورده است؛ گرچه برخی دیگر از بزرگان نیز به اجمال از آن سخن رانده‌اند.^{۱۳۰}

در هر حال این مسأله تامل و تحقیق جدی می‌طلبند و آثار فوایدی سودمند در زمینه مورد نظر دارد.

۸- شناخت زمان صدور احادیث

هر سخنی که از مستکلمی سر می‌زند، ناظر به مخاطب، شرایط و اوضاع و احوال ویژه خود است. نمی‌توان آن سخن را از آن معنا جدا کرد و به تشریح و تفسیر آن پرداخت. تاریخ هر سخن شناسنامه آن سخن است و هر سخن بدون شناسنامه، هویتی مجهول دارد.

روایات صادر شده از پیامبر (ص) و اهل بیت گرامیش (ع) از این قاعده مستثنا نیست. فهم درست و صحیح آن سخنان گهربار به شناخت و معرفت تاریخ صدور آن کلمات وابسته است.

در پرتو شناخت تاریخ صدور است که می‌توان اوامر و لایبی از اوامر تبلیغی را تمییز داد. در پرتو این آگاهی است که می‌توان روایات تقیه‌ای را شناسایی کرد. در پرتو این معرفت است که می‌توان فهمید تقریر معصوم به سلوک خاص، ناظر بود با سلوک عام را امضا کرده است.

در پرتو فهم آن زمان است که می‌توان به معنای برخی واژه‌ها دست یافت و اصطلاحات خاص را از مفاهیم غیر مصطلح جدا کرد. در پرتو این آگاهی است که موارد انصراف در اطلاقات شرعی شناخته می‌شود.

این فواید پنجگانه و غیر آن از آثار پی بردن به تاریخ صدور

گروهی از آنان بدان پرداخته و در باب آن به تأمل و تحقیق رو کرده‌اند. از آن جمله می‌توان از دکتر محمد مصطفی شلبی^{۱۴۰}، دکتر یوسف القرضاوی^{۱۴۱} و مناع خلیل القطان^{۱۴۲} نام برد.

به هر حال ضرورت این امر، شیوه‌های علمی و عملی تحقیق این مهم، محتاج تفکر و تأمل بسیار است و آنان که نام برده شدند تنها در حد طرح سؤال و پرسش در این وادی سخن گفته‌اند.

در پایان این قسمت یادآوری این نکته ضروری است که این توصیه‌ها در باب مطالعه و فهم نصوص دینی پس از فراغ از آن است که این نصوص از آن دین است؛ اما در محدوده‌ای که احتمال وضع و جعل وجود دارد، باید در گام نخست بایه‌ره گیری از دانش رجال و دانش ارزیابی و تحقیق در اسناد، به تمیز درست از نادرست پرداخت. به تعبیر دیگر این توصیه‌ها به فهم نصوص برمی‌گردد، اما اثبات صدق و کذب آن در رتبه قبل با کمک گرفتن از دانشهای دیگر باید به انجام رسد.

چهار. ایرادها و شبهات

«هماهنگی فقه و زمان» گرچه مسأله بسیار ضروری و مهم است و باید به بررسی زوایای مختلف آن توجه گردد، اما لغزشگاههایی نیز دارد که باید آن را شناخت و از آن حذر کرد. این لغزشگاهها سبب طرح پاره‌ای پرسشها و شبهات شده که آنها در قالب ایراد ذکر می‌کنیم.

۱- آیا پذیرفتن این مسأله، جاودانگی شریعت را مورد تردید قرار می‌دهد؟ در غیر این صورت معنای روایات «حلال محمد حلال الی یوم القیامة...» چه خواهد بود؟

۱۳۲. آینه پژوهش، ش ۱۰، ص ۶۹. مناسب است نامه‌های استاد در یازده بخش در شماره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۴ مورد مطالعه قرار گیرد.

۱۳۳. مرجعیت و روحانیت، ص ۶۰.

۱۳۴. مرجعیت و روحانیت، ص ۶۳.

۱۳۵. همان، ص ۲۰۱-۲۲۱ (با عنوان «تمرکز و عدم تمرکز در مرجعیت و فتوا»).

۱۳۶. همان، ص ۲۱۶-۲۲۱ (با عنوان «تقلید اعلم یا شورای فتوا»).

۱۳۷. تفسیر آفتاب، ص ۳۷۱؛ آینه پژوهش، ش ۱۰، ص ۶۵.

۱۳۸. زمینه حقوق تطبیقی، ۱۰۵-۱۰۷.

۱۳۹. تحریرات فی الاصول، ج ۲، ص ۵۲۴.

۱۴۰. فقه الاسلامی بین المثالیة والواقعیة، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۱۴۱. الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۸۲-۱۸۴.

۱۴۲. تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۲۲۲-۲۲۳.

زمان گفته است:

«به تعبیر دیگر مجتهد کسی است که جامعه انسانی منهای معصوم را به او تحویل داده‌اند با آن همه تعهد و رسالت و این همه مسأله و واقعیت، در پهنه‌های حضور تکلیف و تنجز آن؛ با این حال چنین شخصی چگونه باید باشد، و در ارتباط با تحولات اعصار بشری چگونه باید آگاهی داشته باشد و بیندیشد؟ و آیا این مرزبانی و اشراف و این مسؤلیت و اقدام ساده است...»^{۱۳۲}

سخن شهید مطهری که «فتوای عرب بوی عرب می‌دهد و فتوای عجم بوی عجم، فتوای دهاتی بوی دهاتی می‌دهد و فتوای شهری بوی شهری»^{۱۳۳} نیز ناظر به همین واقعیت است.

۱۰- اجتهاد جمعی یا شورای افتا

«اجتهاد گروهی»، «شورای افتا»، «شورای فقاہت» و تعبیرهایی از این قبیل سالیان دراز است که بر قلم و زبان اندیشمندان دینی و برخی مجتهدان جاری شده است. در سی و اندی سال قبل، این مسأله در کتاب «مرجعیت و روحانیت» از سوی متفکرانی چون شهید مطهری،^{۱۳۴} آیت الله طالقانی^{۱۳۵} و برخی دیگر مطرح شد.^{۱۳۶}

استاد محمدرضا حکیمی^{۱۳۷}، حسین نجومیان^{۱۳۸} و شهید آیت الله مصطفی خمینی نیز از شخصیت‌هایی هستند که به این مسأله توجه کرده‌اند.

شهید مصطفی خمینی (ره) این ابتکار را دارد که آن را در ضمن مباحث اصولی و یا زبان فنی و اصطلاحی مطرح کرده است. وی در این زمینه گفته است:

«در دوران ما باید توجه تام به مشارکت علمی داشت... تبادل نظر و مشارکت در آرای فقهی را، بهای فراوان باید داد تا مردم گرفتار اختلاف و مفاسد واقعی نشوند... بر این اساس حجیت فتوای فقیهان معاصر، دچار اشکال است. به سبب همین عدم مشارکت و دوری از تبادل نظر می‌بینیم در طول زندگانی علمی خویش چقدر تبادل رأی دارند. بر این اساس، نشستن در کنج خانه و فتوادادن بر اساس اندیشه‌های فردی با وجود مشکلات علمی عصر ما و معضلات فنی بسیار، این روش، عقلایی نیست.»^{۱۳۹}

این نظریه در میان عالمان اهل سنت نیز مطرح است و

قسمتی از مباحث فلسفه فقه مطرح می شود، ولی مباحث مهمی وجود دارد که در این علم مطرح نمی شود. ۱۳۹۴

۱... بدین ترتیب جای تدوین شعبه خاصی از فلسفه آن به حقوق اسلامی یا فقه پردازد، در معارف جدید اسلامی خالی است. مبانی و اجزاء این شعبه، هم اکنون در فلسفه و کلام و اصول فقه پراکنده است و به اندیشمندان و مبتکرانی نیاز دارد که به تألیف مباحث پراکنده نیاکان دانشمندان خود پردازند. ۱۵۰۴

علم کلام نیز که در گذشته از عهده تبیین عقلانی دین و دفع شبهات آن برمی آمد، امروزه بر اثر گستردگی دایره معرفت بشری و پیدایش فلسفه ها، تفکرها و شبهات عدیده، نمی تواند از عهده آن مهم برآید؛ به کمک «فلسفه دین» می تواند پاسخگوی شبهات گوناگون باشد. همچنان است علم اصول که در گذشته می توانست همه نیازمندیهای فقه را برآورده سازد، ولی امروزه باید با «فلسفه فقه» همراه شود، تا بتواند پایه های فقاقت و اجتهاد را استوار سازد.

«فلسفه فقه» از دانشهای متعددی چون فلسفه، کلام، علم حدیث و رجال، علوم قرآن، اصول و ... بهره می گیرد و به بررسی مسائلی از این قبیل می پردازد:

غایت و هدف فقه، قلمرو فقه، رابطه فقه و دانشهای دیگر چون: کلام، فلسفه، علوم تجربی، حقوق، اخلاق و ...، شیوه های تفسیر نصوص دینی، معرفت شناسی فقه و اجتهاد، روش تحقیق تاریخی، هماهنگی فقه و زمان، منابع اجتهاد و ...

شایسته است فرزاتگان حوزه های علمیه، فقیهان و مجتهدان به بحث و بررسی پیرامون این گونه مسایل رو کرده و غنا و توان فقه اسلامی و شیعی را به شایستگی نمایان سازند.



۱۳۳. الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۷۶-۱۷۷ و ص ۱۹۳-۱۹۴؛
مجلة الشریعة والدراسات الاسلامیة، ش ۱، ص ۲۱-۵۴ (مقاله:
«مفهوم التجدید بین السنة النبویة و بین ادعیاء التجدید المعاصرین»)
۱۳۴. مجلة کیان، ش ۲۴، ص ۱۷-۲۴.
۱۳۵. سورة آل عمران، آیه ۱۳.
۱۳۶. اقتصادنا، ص ۴۰۴-۴۰۵.
۱۳۷. الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۶۱-۱۶۲.
۱۳۸. در این زمینه رجوع شود به: الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۳۹-۱۸۵.
۱۳۹. تقدیر نظر، ش ۱، ص ۱۹.
۱۵۰. همان، ص ۲۳.

۲- پذیرفتن این موضوع جامعیت دین را خدشه دار می سازد.

۳- پذیرفتن این تئوری به بدعت و نوآوری در دین می گراید.

۴- پذیرفتن این مسأله مسبب برخی اصول مطرود از قبیل: قیاس، استحسان، مصالح مرسله در اجتهاد، و استنباط خواهد شد.

۵- تلاش برای هماهنگی فقه و زمان مسبب می شود، دین تابع و پیرو واقعیت های زندگی باشد. با اینکه بنای دین بر تغییر شرایط طبق اهداف و آرمانهای الهی است. ۱۳۳

۶- تلاش در هماهنگی فقه و زمان حرکت به سوی عرفی شدن و بشری شدن فقه است. ۱۳۴

شهبید صدر می فرماید: برخی برای توجیه ریاخواری گفته اند قرآن سودی که برابر اصل سرمایه یا چند برابر آن باشد، تحریم کرده است؛ زیرا خداوند فرموده: «یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا الربا اضعافاً مضاعفة»، ولی سودهای متعارف تحریم نشده است. ۱۳۶

برخی پیشنهاد کرده اند: چون تعطیلسلی هفته در کشورهای مسیحی روز یکشنبه است، بهتر است نماز جمعه در آن روز خوانده شود تا جمعیت بیشتری شرکت جویند. ۱۳۷ و نمونه های دیگر. ۱۳۸

تحقیق و مطالعه در زمینه این پرسشها، مکمل سه محور قبل است. باید به حقیقت مرز شریعت با عرف، بدعت، مصلحت سنجی، واقعگرایی و ... روشن گردد، تا زمینه این ابهامها از میان رود.

سخن آخر

به نظر می رسد بررسی مسائل مطروح به گونه ای عمیق و گسترده، نیازمند تاسیس دانش جدی است که بتواند در کنار «علم اصول» به پی ریزی مبانی اصلی در راستای حل مشکلات فقه پردازد. این دانش «فلسفه فقه» است که برخی از صاحب نظران در ضرورت آن گفته اند:

«در حوزه های علمیه ما، علمی به نام فلسفه علم فقه وجود ندارد، ولی باید وجود داشته باشد و امروزه که در کنار هر علمی فلسفه آن علم نیز مطرح است. ما نمی توانیم از فلسفه علم فقه، که بسیار مسأله مهمی است، غافل بمانیم. البته در علم اصول